

فارسی (۳)

ستایش

ملکا، ذکر تو گویم

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی / نروم جز به همان ره که توأم راه‌نمایی: اظهار بندگی همه درگاه تو جویم همه از فضل تو بویم / همه توحید تو گویم که به توحید سزایی: یگانگی صفات خداوند / تنها خداوند شایسته پرستش است. / توانایی و جنبش موجودات به برکت لطف و کرم خداوند است.

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی / تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی: صفات خدا / تنها خداوند شایسته پرستش است. / بخشندگی و فضل خداوند نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی: عجز عقل انسان از درک و وصف خداوند / بی‌همتایی خداوند همه عزتی و جلالی همه علمی و یقینی / همه نورتی و سروری همه جودتی و جزایی: صفات خداوند همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی / همه بیشی تو بگاهی، همه کمّی تو فزایی: ستارالعیوبی (عیب‌پوشی) خدا / علام‌الغیوبی (غیب‌دانی) خدا / عزت و ذلت به دست خدا است. ﴿تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾: عزت و ذلت به دست خداوند است.

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بؤدش روی رهایی: ستایش خدا با همه وجود / اقرار به یگانگی خدا موجب رهایی

بخشندگی و فضل خداوند

این که خدا در آفرینش انسان و سایر موجودات، به دنبال منفعت شخصی (!) نبوده، بلکه هدف از آفرینش، ابراز «لطف و بخشندگی» بوده است. این مفهوم، به بخشندگی خداوند اشاره می‌کند و به علاوه، تأکید می‌کند که اصلاً هدف از آفرینش این بوده که بنده‌ها مورد لطف و بخشش خدا قرار بگیرند.

(زبان ۸۵)

۱- بیت «من نکردم خلق تا سودی کنم / بلکه تا بر بندگان جودی کنم» با مفهوم کدام بیت قرابت معنایی دارد؟

- | | |
|--|---|
| ۱) عشق، دریایی کرانه ناپدید | ۲) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگجی |
| ۳) تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی | ۴) زشتت بایسد دید و انگاریسد خوب |
| ۱) کی توان کردن شنای هوشمند؟ | ۲) نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی |
| ۳) تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی | ۴) زهر بایسد خورد و انگاریسد قند |

ناشناختنی بودن خداوند

عجز انسان از درک و توصیف خدا؛ این که عقل و درک و حدس و وهم و گمان و پندار انسان نمی‌توانند حقیقت خداوند را بفهمند. هرچه قدر تلاش کند و هر طور هم که خدا را توصیف کند، حقیقت خداوند چیزی برتر، فراتر و متفاوت با تصورات آدمی است. فقط خداوند است که می‌تواند خود را توصیف و معرفی کند. پرسش‌های زیر، این «عجز و ناتوانی» را مورد تأکید قرار داده‌اند.

(کارشناسی ارشد ۹۰)

۲- همه ابیات زیر اشاره به «ناتوانی انسان از شناخت خداوند» دارند؛ به جز

- | | |
|-----------------------------------|-------------------------------|
| ۱) اگرچه جان مامی پی برد راه | ۲) با تقاضای عقل و نفس و حواس |
| ۳) هرچه را «هست» گفتی از بن و بار | ۴) نه بر اوج ذاتش پرد مرغ وهم |
| ۱) ولکن گنّه او را کی برسد راه؟ | ۲) کی توان بود کردگار شناس؟ |
| ۳) گفتی او را شریک، هوش می‌دار! | ۴) نه در ذیل وصفش رسد دست فهم |

۳- کدام گزینه با بیت «نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی» تناسب معنایی دارد؟

- | | |
|---------------------------------------|----------------------------------|
| ۱) به پیشگاه قبول تو راه نیست مگر | ۲) تو را برتر از حد خود راه نیست |
| ۳) بیار باده که تا راه نیستی گیرم | ۴) در وهم نیاید و صفت نتوان کرد |
| ۱) رها کنی که بر این آستان همی‌گردم | ۲) که نقش از نگارنده آگاه نیست |
| ۳) من آزموده‌ام آخر، بقای من به فناست | ۴) آن شادای‌ها که از غمت می‌بینم |

۴- کدام گزینه با بیت «نه در ایوان قریش وهم را بار / نه با چون و چرایش عقل را کار» تناسب معنایی ندارد؟

- | | |
|--------------------------------|----------------------------------|
| ۱) نه بر اوج ذاتش پرد مرغ وهم | ۲) در وهم کی آید که خداوند ملوک |
| ۳) بر وصف تو دست عقل دانا نرسد | ۴) کجا وصف تو داند کرد ادراک؟ |
| ۱) نه بر ذیل وصفش رسد دست فهم | ۲) از کم‌تر بندگان خود یباد کند؟ |
| ۳) و ادراک ضمیر جان بینا نرسد | ۴) که عاجز اوفتاد اندر کف خاک |

۵- کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها ارتباط معنایی ندارد؟

- | | |
|---|---|
| ۱) نه در ایوان قریش وهم را بار | ۲) تا به جای رسی که می‌نرسد |
| ۳) ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم | ۴) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگجی |
| ۱) نه با چون و چرایش عقل را کار | ۲) پای او هم نام و پایسه افکار |
| ۳) وز هرچه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم | ۴) نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی |

عزّت و ذلّت به دست خداست.

گرامی بودن و خوار شدن بنده، در دست خداوند است. این خداست که آدم را عزیز می‌کند یا ذلیل؛ نقل و نباتِ سؤالاتِ این مفهوم، یک عده کلمات کلیدی مشخص و پرتکرار است؛ مثل «تعزُّ» و «تذلُّ» و «یعزُّ» و «یذلُّ» و «من تشاء» و «من یشاء»؛ «عزّت» و «عزیز» و «عزیزی» و «خوار» و «خواری»؛ به اضافه مفاهیم «بلندی و پستی» و «بالا و پست»، و مفهوم «از ماه به چاه آوردن» و «از چاه به ماه بردن» و از همین قبیل. می‌گوید: هر چه خدا بخواهد، همان می‌شود. اگر خدا نخواهد، هر کاری هم که بکنی فایده‌ای ندارد. همه چیز بستگی به نظر و لطف خودش دارد. اگر نیم‌نگاهی بکنند، به اوج می‌رسی و اگر نگاهش را برگرداند ...

(فارع از کشور ۹۸)

۶- مفهوم آیه ﴿تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ با کدام بیت، متناسب‌تر است؟

- | | |
|---|---|
| <p>(۱) خدای، کار چو بر بنده‌ای فروبندد
(۲) صائب به گناه دو جهان از کرم او
(۳) بلند آن سر، که او خواهد بلندش
(۴) عزّت شاه و گدا زیر زمین یکسان است</p> | <p>به هرچه رنج برد در دسر بیفزاید
نومید نگردی که خداوند کریم است
نژند آن دل، که او خواهد نژندش
می‌کند خاک برای همه کس جا خالی</p> |
|---|---|

(ریاضی ۹۰)

۷- مفهوم کدام بیت با توجه به آیه شریفه ﴿تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ (هرکه را بخواهی عزیز می‌کنی و هرکه را بخواهی، خوار می‌گردانی)، متفاوت است؟ (ریاضی ۹۰)

- | | |
|---|---|
| <p>(۱) یکی را همی تاج شاهی دهد
(۲) یکی را که در بند بینی مخنند
(۳) یکی را دهد تاج و تخت بلند
(۴) یکی را ز ماهی رساند به ماه</p> | <p>یکی را به دریا به ماهی دهد
می‌آدا که روزی درافتی به بند
یکی را کند خوار و زار و نژند
یکی را ز مه اندر آرد به چاه</p> |
|---|---|

(انسانی ۸۸)

۸- به مضمون آیه شریفه ﴿تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ (هرکه را بخواهی عزیز می‌کنی و هرکه را بخواهی، خوار می‌گردانی)، در کدام بیت اشاره نشده است؟ (انسانی ۸۸)

- | | |
|---|--|
| <p>(۱) کلاه سعادت یکی بر سرش
(۲) ادیم (= سفره) زمین سفره عام اوست
(۳) یکی را به سر بر نهد تاج بخت
(۴) گلستان کند آتشی بر خلیل</p> | <p>گلیم شقاوت یکی در برش
بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست
یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
گروهی بر آتش بَرَد ز آب نیل</p> |
|---|--|

(هنر ۸۶)

۹- مفهوم آیه شریفه ﴿تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ (هرکه را بخواهی عزیز می‌کنی و هرکه را بخواهی، خوار می‌گردانی)، با کدام بیت متناسب است؟ (هنر ۸۶)

- | | |
|--|--|
| <p>(۱) آن‌که را کردگار کرد عزیز
(۲) آن‌که خود را شناخت نتواند
(۳) آن‌که عیب تو گفت، یار تو اوست
(۴) آن‌که را با طمع سروکار است</p> | <p>نتواند زمانه خوار کند
آفریننده را کجا دانند؟
و آن که پوشیده داشت، مار تو اوست
گر عزیز جهان بود خوار است</p> |
|--|--|

۱۰- کدام بیت با مضمون بیت «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی» تناسب معنایی دارد؟

- | | |
|--|---|
| <p>(۱) ور دانی آن‌که عزّت و ذلّت کدام راست
(۲) نباشد هیچ عزّت به ز دانش
(۳) عزیزت و خواری تو بخشی و بس
(۴) هرکه در زندگی بخیل بُود</p> | <p>درویشی اختیار کنی بر توانگری
نباید بُد دمی غافل ز دانش
عزیزت تو خواری نبیند ز کس
چون بمیرد چو سگ ذلیل بُود</p> |
|--|---|

۱۱- کدام گزینه با بیت «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی» تناسب معنایی بیشتری دارد؟

- | | |
|---|--|
| <p>(۱) بندهام، خواه قبولم کن و خواهی رد از آنک
(۲) این دولت من بس که منم بنده تو
(۳) یکی را دهد تاج و تخت بلند
(۴) چو عزّت بایدت ترک طمع کن</p> | <p>عزّت و خواری در کوی وفا یکسان اند
این عزّت من بس که خداوند تویی
یکی را کند بنده و مستمند
گدایان را از این معنی ست خواری</p> |
|---|--|

۱۲- مفهوم بیت «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی» با کدام بیت تناسب دارد؟

- | | |
|---|--|
| <p>(۱) مهتاکون روزی مزار و مـور
(۲) بشـر مـاورای جلالش نیافت
(۳) عزیزی که هرگز درش سر بتافت
(۴) یکی را به سر بر نهد تاج بخت</p> | <p>اگرچند بی‌دست و پوی اند و زور
بصر منتهای جمالش نیافت
به هر در که شد هیچ عزّت نیافت
یکی را به خاک اندر آرد ز تخت</p> |
|---|--|

۱۳- کدام گزینه با مفهوم آیه شریفه ﴿تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ (هرکه را بخواهی عزیز می‌کنی و هرکه را بخواهی، خوار می‌گردانی)، تناسب معنایی ندارد؟

- | | |
|--|--|
| <p>(۱) هرکه را حق عزیز می‌دارد
(۲) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی
(۳) بر من از صد هزار عزّت بیش
(۴) یکی را ز ماه اندر آری به چاه</p> | <p>کی کند چرخ روزگار ذلیل؟
همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی
آن که باشم ذلیل و خوار تو من
یکی را ز چاه اندر آری به ماه</p> |
|--|--|

مَتَّ خَدَايَا، عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت: عبادت موجب نزدیکی به خداوند / شکر نعمت موجب فراوانی نعمت هر نفسی که فرومی‌رود، مُمَدَّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفْرَحِ ذات، نعمت حیات / زندگی بخش بودن کوچک‌ترین نعمت‌های خداوند پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب: لزوم سپاس‌گزاری از جزئی‌ترین نعمت‌ها از دست و زبان که برآید / کَرَّ عَهْدِهِ شُكْرُكَ به درآید؟ عجز انسان از به جا آوردن شکر خداوند ﴿إِغْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ (ای خاندان داوود، سپاس بگزارید و عده کمی از بندگانش سپاس‌گزارند): ناسپاسی بندگان و ضرورت شکر نعمت بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد: دعوت به توبه و عجز انسان از به جا آوردن شکر خداوند ورنه، سزاوار خداوندی‌اش / کس نتواند که به جای آورد: عجز انسان از به جا آوردن شکر خداوند بارانِ رَحْمَتِ بی‌حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده: بخشاینده‌گی و روزی‌رسانی خداوند پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد: ستار العیوب بودن (عیب‌پوشی) خداوند وظیفه روزی به خطای منکر بُرَد: روزی‌رسانی خداوند با وجود ارتکاب گناه بندگان فَرَاشِ بَادِ صَبْرًا گفته تا فرس زَمَدین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا نباتِ نبات در مهد زمین پیورود. درختان را به خلعتِ نوروزی قباي سبز ورق در بر گرفته و اطفالِ شاخ را قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده: عامل اصلی همه پدیده‌ها خداوند است. / طبیعت جلوه‌ای از محبت و کرم خداوند است. / فرارسیدن بهار عصاره تاکی به قدرت او شهادت فایق شده و تخمِ خرمايي به تربیتش نخلِ باسق گشته: عامل اصلی همه پدیده‌ها خداوند است. / طبیعت جلوه‌ای از محبت و کرم خداوند است. ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری: همه پدیده‌ها در خدمت انسان‌اند. / نکوهش غفلت همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌بری: همه پدیده‌ها در خدمت انسان‌اند. / ضرورت غافل نشدن از یاد خداوند و سرکشی در برابر او / انسان اشرف مخلوقات است. شَفِيعٌ مُطَاعٌ نَبِيٌّ كَرِيمٌ / قَسِيمٌ جَسِيمٌ نَسِيمٌ وَسِيمٌ (او شفاعت‌کننده، فرمان‌روا، پیام‌آور، بخشنده، صاحب جمال، خوش‌اندام، خوش‌بو و دارای نشان پیامبری است): ستایش پیامبر (ص) به صفات گوناگون بَلِّغِ الْعِلْمَ بِالْكِمَالِ، كَسَفِ الدُّجَىٰ بِالْجَمَالِ / حَسَنَتْ جَمِيعُ خِصَالِهِ، صَلَوًا عَلَيْهِ وَآلِهِ (به واسطه کمال خود به مرتبه بلند رسید و با جمال نورانی خود تاریکی‌ها را برطرف کرد. همه خوبی‌ها و صفات او زیباست: بر او و خاندانش درود بفرستید): ستایش پیامبر (ص) به صفات گوناگون چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتی‌بان؟: نهراسیدن مؤمن از حوادث / پشتیبانی ممدوح مایه اطمینان خاطر / توکل ﴿يَا مَلَايِكَةُ قَدْ أَنتَحَيْتُ مِنْ عِبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ﴾ (ای فرشتگانم، من از بنده خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد؛ پس آمرزیدمش): شرم خدا از پاسخ ندادن به دعای بنده گناه‌کار / بخشاینده‌گی بی‌دریغ خداوند دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم: شرم خدا از پاسخ ندادن به دعای بنده گناه‌کار / بخشاینده‌گی بی‌دریغ خداوند کرم بین و لطف خداوند گار / گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار: شرم خدا از پاسخ ندادن به دعای بنده گناه‌کار / بخشاینده‌گی بی‌دریغ خداوند عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عِبْدُنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ (تو را چنان که شایسته پرستش توست، پرستش نکردیم): عجز انسان از ستایش خداوند به‌طور شایسته واصفانِ جلیه جمالش به تحیر منسوب که: ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ (تو را چنان که سزاوار شناسایی توست، نشناختیم): عجز انسان از شناخت خداوند به‌طور شایسته گر کسی وصف او ز من پرسد / بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟: ناتوانی عاشق از وصف معشوق عاشقان کشتگان معشوق‌اند / برنیاید ز کشتگان آواز: خاموشی و رازداری عاشقانه گفت: به‌خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم، بوی گل‌م چنان مست کرد که دامنم از دست برفت: از خود بی‌خودی عاشق هنگام وصال ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد: پاک‌بازی، بردباری و رازداری عاشقانه این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند / کان را که خبر شد، خبری باز نیامد: پاک‌بازی، بردباری و رازداری عاشقانه هیچ نقاشت نمی‌بیند که نقشی بر کند / وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای: ناتوانی عاشق از وصف معشوق

صفات خداوند

سؤالات مربوط به صفات خدا دو دسته‌اند. یک دسته، آن‌هایی که چند صفت خداوند را به‌طور کلی مورد سؤال قرار می‌دهند: مثلاً «رحمت» و «روزی‌رسانی» و «عیب‌پوشی» و «غیب‌دانی» را در صورت سؤال ذکر می‌کنند؛ در این حالت، گزینه‌ای که حتی به یکی از این صفات هم اشاره کند با صورت سؤال قرابت معنایی دارد. دسته دیگر، سؤالاتی هستند که هر کدام یک صفت خداوند را به‌طور مشخص مورد سؤال قرار می‌دهند، صفاتی مانند «عدم قطع روزی با وجود ارتکاب گناه»، «شرم خدا از گناه بنده»، «توصیف‌ناپذیری خدا»، «ناتوانی بنده از شکرگزاری خدا»، و این‌که «پشتیبانی خدا مایه آرامش خاطر است». مفاهیم دسته دوم، بعد از این بخش، هر یک به‌طور مستقل بررسی می‌شوند. فعلاً سؤالات دسته اول را می‌بینی.

در گشاده است و صلا در داده خوان انداخته
می‌خورد بر خوان انعام تو نان خویشتن
دمی چند خوردیم و گفتند بس
در این سال‌ها کس نیاراست خوانی

(۱) در ضیافت‌خانه خوان نوالش (= لقمه) منع نیست
(۲) پس تو را منت ز مهمان داشت باید بهر آنک
(۳) دریغاً که بر خوان الوان عمر
(۴) همانا که بی‌نعمت او به گیتی

- ۱۵- مفهوم عبارت «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.» به مفهوم کدام بیت نزدیک است؟ (فاز از کشور ۸۸)
- ۱) از سلفه مخواه هیچ زنه‌ار
 ۲) روزی ز خزانسه کسسی خـواه
 ۳) گر ترک طمع کنی، نباشد
 ۴) نی محنت عشق دیده هرگز

- ۱۶- کدام بیت با متن «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.» پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.» ارتباط معنایی ندارد؟ (زبان ۸۴)

در باغ لاله روید و در شوره‌زار خس
 به عصیان در رزق بر کس نیست
 بر این خوان یغما (سفره‌ای برای عموم مردم) چه دشمن چه دوست
 گنه بیند و پرده پوشد به حلم

۱) باران که در لطافت طبعش خلاف نیست
 ۲) ولیکن خداوند بالا و پست
 ۳) ادیم (= سفره) زمین سفره عام اوست
 ۴) دو کُوشش یکی قطره از بحر علم

- ۱۷- کدام گزینه با عبارت روبه‌رو تناسب معنایی ندارد؟ «پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.»
- ۱) سر از عیب گنه در چُیب خود کن
 ۲) برآورده مردم ز بیرون خروش
 ۳) خلق را بستنی ز عیبم چشم و گوش
 ۴) گنه‌کارم، تو غفار الذنوبی
- حیا را پرده پوش عیب خود کن
 تو با بنده در پرده و پرده پوش
 ای خدا، عیب من از خود هم پوش
 همه عیبم، تو ستار العیوبی

عدم قطع روزی با وجود ارتکاب گناه

این که خدا روزی بنده گناهکار را به خاطر ارتکاب گناه از او دریغ نمی‌کند؛ این که روزی خداوند یک نعمت عمومی است که شامل انسان و حیوان و جن و فرشته و همه و همه می‌شود؛ کافر و مسلمان و بی‌گناه و گناهکار ندارد؛ به همه می‌رسد. اصلاً خدا روزی را به خاطر عبادت نمی‌دهد که به خاطر گناه قطعش کند! گاهی هم به‌طور کلی به «بخشنده‌گی خداوند با وجود گناهکار بودن بندگان» اشاره شده و حرفی از «قطع نشدن رزق و روزی» در میان نیست.

- ۱۸- عبارت «وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟ (زبان ۸۷)

اگر چندی بی‌دست و پوی‌اند و زور
 به عصیان در رزق بر کس نیست
 بنی آدم و مرغ و مور و مگس
 کسه سیمرغ در قفای روزی خورد

۱) مه‌تاکین روزی موار و مور
 ۲) ولیکن خداوند بالا و پست
 ۳) پرستار امرش همه چیز و کس
 ۴) چنان پهن خوان کرم گسترزد

- ۱۹- کدام گزینه با بیت «ولیکن خداوند بالا و پست / به عصیان در رزق بر کس نیست» تناسب معنایی ندارد؟
- ۱) ز کافر او نگیرد رزق خود باز
 ۲) چو کبر ورزی با خلق و در گناه افتی
 ۳) خدای راست مسلم بزرگواری و حلم
 ۴) گنه به ارث رسیده‌ست از پدر ما را
- کجا گیرد ز مرد پر خرد باز
 گمان مبر که خدا روزی تو برچیند
 که جرم بیند و نان برقرار می‌دارد
 خطا ز صبح ازل رزق آدمی‌زاد است

- ۲۰- کدام گزینه به «مفهوم مقابل» عبارت «وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.» اشاره دارد؟
- ۱) گنه به ارث رسیده‌ست از پدر ما را
 ۲) یارب به لطف خویش گناهان ما پوش
 ۳) هر که رو در فسق و عصیان می‌کند
 ۴) ولیکن خداوند بالا و پست
- خطا ز صبح ازل رزق آدمی‌زاد است
 روزی که رازها فتد از پرده برملا
 ای زدن اندر رزق او کم می‌کنند
 به عصیان در رزق بر کس نیست

شرم خدا از گناه بنده!

این مفهوم را چه‌طور باید توضیح داد؟ این که ما گناه می‌کنیم و خدا شرم‌منده می‌شود! مفهوم به قدری شرم‌آور است که فقط می‌توانیم از خجالت سرمان را پایین بیندازیم و بدون این که سؤال‌ها را حل کنیم، برویم سراغ مفهوم بعدی!

- ۲۱- مفهوم حدیث قدسی «یا ملائکتی قد استخییت من عبدي و لیس له غیری فقد عقرت له» در کدام گزینه آمده است؟ (ریاضی ۸۱)

که جز ما پناهی دگر نیستش
 نهد شاخ پرمیوه سر بر زمین
 نیاید به گشوش دل از غیب راز
 قیامت زخم خیمه پهلوی دوست

۱) قبول است اگر چه هنر نیستش
 ۲) تواضع کند هوشمند گزین
 ۳) تو را تا دهن باشد از حرص باز
 ۴) اگر می‌رم امروز در کوی دوست

- ۲۲- کدام گزینه با بیت «کرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار» تناسب معنایی کم‌تری دارد؟
- ۱) از شرم گناه شاید از خون گریم
 ۲) لطف خدا بیشتر از جرم ماست
 ۳) شاید که در حساب نیاید گناه ما
 ۴) اگر جرم بخشی به مقدار جود
- از ابر بهار بر خود افزون گریم
 نکته سربسته چه دانسی؟ خموش!
 آن‌جا که فضل و رحمت بی‌منتهای توست
 نماند گنه‌کاری اندر وجود

عجز انسان از درک و توصیف خداوند

وصف‌ناپذیری خدا؛ ناتوانی آفریده‌ها از توصیف آفریننده؛ این که عقل انسان نمی‌تواند خدا را وصف کند؛ اصلاً چیزی را که درک نمی‌کند چه طور وصف کند؟!

(زبان ۹۹)

بست چندین صورت و صورت نسبت این آرزو
تصویر ناکشیده خجالت کشیده است
زد بر زمین قلم که چه‌ها می‌کشیم ما
در حیرتم که ناز تو را چون کشیده‌اند

۲۳- مفهوم همه ابیات یکسان است، به جز
۱) کرد تصویر تو را صورتگر چین آرزو
۲) صورتگری که حسن ادای تو دیده است
۳) نقاش چین چو صورتش آورد در نظر
۴) صورتگران که آن قد موزون کشیده‌اند

(فارغ از کشور انسانی ۹۹)

بیان دیگر مکن ای فیض جز اوصاف حالی را
چون نشان یابد کسی از نور بی‌نام و نشان
خود نیاید بحر اوصاف تو در ظرف بیان
وهم را وسعت آن کو که کند میدانی

۲۴- همه ابیات با «ما عرفناك حق معرفتك» قرابت مفهومی دارند؛ به جز
۱) تو را این وصفها چون نیست خالی زن تن از گفتن
۲) خیره‌گردد دیده دل در شعاع مهر ذات
۳) اعرف دوران حدیث ما عرفناك چو گفت
۴) در مجالی که کشد موكب اوصاف تو صف

(تمبری ۹۳)

رنیدی غریب‌مانده به کوی قلندرم
خیال او رسن در دست بر بالای چاه اینک
جلای دیده ز گل‌گشت ماهتاب خوش است
که در آن آینه صاحب‌نظران حیران‌اند

۲۵- مفهوم عبارت «واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که ماعرفناك حق معرفتك» با کدام بیت تناسب دارد؟
۱) مردی غریق‌گشته بحر تحیرم
۲) تو در چاه تحیر مانده وز بهر خلاص تو
۳) ز ماه‌خانگی آن را که دیده روشن نیست
۴) وصل خورشید به شب‌پره اعمی (= نابینا) نرسد

(هنر ۹۱)

مگر اندر سخن آیی و بدانم که لب است
هم قلم بشکست و هم کاغذ درید
که هر سه وصف زمانهست «هست» و «باید» و «بود»
هرچه گویم هزار چندین است

۲۶- مفهوم «گر کسی وصف او ز من پرسد / بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟!» با همه ابیات، به استثنای بیت تناسب دارد.
۱) آن دهان نیست که در وصف سخن‌دان آید
۲) چون سخن در وصف این حالت رسید
۳) خدای را به صفات زمانه وصف مکن
۴) وصف خوبی او چه دانم گفت

ما هم چنان در اول وصف تو مانده‌ایم
کز هرچه در خیال من آید زیاده‌ای
هر حدیثی که در او وصف و ثنای تو بود
وز نعت تو خیره شده هر چیره‌زبانی
چون بینم که برتر از آنی، چه گویمت؟

۲۷- کدام گزینه با بیت زیر تناسب معنایی ندارد؟
«مجلس تمام‌گشت و به آخر رسید عمر»
۱) وصف تو را چنان که تویی چون کنم خیال؟
۲) راحت روح و فتوح دل مشتاقان است
۳) از وصف تو عاجز شده هر پاک‌ضمیری
۴) خواهم به جان که وصف تو گویم به صد زبان

در گمانشش قصور می‌بینم
شو خاک راه اهل خدا از سر یقین
آن همه دون حق توست و تو برتر زانی
که هست صد دل بی‌غم برای من مجروح

۲۸- کدام گزینه با عبارت «واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که ماعرفناك حق معرفتك» تناسب معنایی دارد؟
۱) هر که دارد گمان که غیری هست
۲) گر وصل دوست می‌طلبی، بدگمان مباش
۳) هر چه در وصف تو گویند و کنند اندیشه
۴) جراحت دل ریشم از این قیاس کنید

در این جود بنهاد و در وی سجود
که بگشوده بر آسمان و زمی‌ست
او چگونسه خدای را دانند
پس این بنده بر آستان سر نهاد

۲۹- مفهوم عبارت «ماعرفناك حق معرفتك» از کدام بیت دریافت می‌شود؟
۱) سر آورد و دست از عدم در وجود
۲) در معرفت دیده آدمی‌ست
۳) و آن که او دست و پای را دانند
۴) نخست او ارادت به دل در نهاد

در دو عالم کیست کاو همتای توست؟
وز هرچه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم
کی نماید خردش درک به چشم ادراک؟!
ای فزون از همه‌ها وز بیش بیش!

۳۰- کدام گزینه با عبارت «ماعرفناك حق معرفتك» تناسب معنایی ندارد؟
۱) چون به جز تو در دو عالم نیست کس
۲) ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
۳) ذات پاک تو که بیرون بود از دانش و وهم
۴) تو نه این باشی نه آن در ذات خویش

- ۳۱- بیت‌های کدام گزینه به مفهوم مشترکی اشاره دارند؟
 الف) حکایت تو به تفسیر شرح نتوان کرد
 ب) به حدّ و وصف نیاید که من ز غم چونم
 ج) وصف آن نیست که در وهم سخن‌دان گنجد
 د) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی
 ه) در گنه وصف تو نرسد عقل دوربین
 ۱) ج - د - ه ۲) الف - ب - د
 که جور و محنت خوبان ز وصف بیرون است
 به وهم خلق ننگد که من چه‌سان زارم
 ور کسی گفت، مگر هم تو زبانش باشی
 نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
 بر قدر بام تو نرود وهم دورپای
 ۳) ب - ج - د ۴) الف - ب - ج

ناتوانی از شکر خداوند

ناتوانی بنده در سپاس‌گزاری از خداوند؛ این که بنده - هر که باشد - نمی‌تواند خدا را آن‌طور که باید شکر کند؛ این که آدم در هر ثانیه هم‌زمان از هزاران نعمت خداوند استفاده می‌کند که شکر یکی را هم نمی‌تواند به جا بیاورد. نمونه‌اش: تنفس؛ نمونه‌اش: گردش خون؛ نمونه‌اش: عقل؛ نمونه‌اش: سلامتی؛ نمونه‌اش: جوانی؛ نمونه‌اش: پدر؛ نمونه‌اش: مادر؛ بیشتر از «مادر» چه می‌شود گفت؟!

- ۳۲- کدام گزینه با بیت «از دست و زبان که برآید / کز عهده شکرش به درآید؟» تناسب معنایی ندارد؟
 ۱) گر بر تن من زبان شود هر مویی
 ۲) نتوانیم گفت و نیست شکی
 ۳) گر هزارانم دهان، در هر یکی سید زبان
 ۴) شکر خدا که می‌توانی به یک نفس
 ۳۳- همه گزینه‌های زیر، به جز گزینه با بیت «از دست و زبان که برآید / کز عهده شکرش به درآید؟» تناسب مفهومی دارد.
 ۱) گر به هر مویی زبانی باشدت
 ۲) خردمند طبعان منت‌شناس
 ۳) گر کسی شکرگزاری کند این نعمت را
 ۴) نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است
 ۳۴- کدام گزینه به مفهوم متفاوتی اشاره دارد؟
 ۱) بردم نصیب خویش ز هر نعمتت، کنون
 ۲) روزی اگر صد هزار بار کنم شکر
 ۳) از دستت و زبان که برآید
 ۴) شکر ایزد چه‌سان توان گفتن؟
 از خون شکر نعمت خود قسمتم بده
 باز بود نعمتت ز شکر من افزون
 کز عهده شکرش به درآید؟
 نیست ممکن به صد زبان گفتن

توکل

تکیه به قدرت خدا موجب آرامش و امنیت است؛ پشتیبانی خدا مایه اطمینان خاطر است. کسی که پشتیبانش خداست، از هیچ چیز نمی‌ترسد؛ کسی که خدا هوایش را داشته باشد، در تنگناها و مشکلات ترس به دلش راه نمی‌دهد.

- ۳۵- بیت «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟» با کدام گروه ابیات، مفهومی مشترک دارد؟ (ریاض ۸۷)
 الف) گر هزاران دام باشد در قدم
 ب) دست در دامن مردان زن و اندیشه مدار
 ج) از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم
 د) هر دلی کز قیل شادی او شاد بود
 ه) هر که در سایه عنایت اوست
 و) نه غم و اندیشه سود و زبان
 ز) چون عنایاتت بود با ما مقیم
 ۱) الف - ب - ج ۲) د - ج - ب
 چون تو با مایی، نباشد هیچ غم
 هر که با نوح نشیند چه غم از طوفانش؟
 وز لوح سینه نقشت هرگز نگشت زابل
 گزش طوفان غمان بارد، غمگین نکند
 گنهش طاعت است و دشمن دوست
 نه خیال این فلان و آن فلان
 کی بود بیمی از آن دزد لئیم؟
 ۳) ه - و - ز ۴) ه - الف - ز
 ۳۶- بیت «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟ (زبان ۸۷)
 ۱) هم گلستان خیالم ز تو پُر نقش و نگار
 ۲) در ره عشق که از سیل بلا نیست گذار
 ۳) در بیابان طلب گرچه ز هر سو خطریست
 ۴) مدّعی خواست که از بیخ کند ریشه ما
 هم مشام دلم از زلف سمن‌سای تو خوش
 کرده‌ام خاطر خود را به تمنای تو خوش
 می‌رود حافظ بی‌دل به تو لای تو خوش
 غافل از آن که خدا هست در اندیشه ما

۳۷- کدام گزینه با بیت «گر هزاران دام باشد هر قدم / چون تو با مایی، نباشد هیچ غم» تناسب معنایی دارد؟

- ۱) با زخم من ارچه مرهمی نیست
 - ۲) صبوری با غمش می‌گفت در دل
 - ۳) چه باک آید ز کس آن را که او را
 - ۴) اگر رفعت پایسه داری هوس
- چون تو به سلامتی غمی نیست
که من رفتم تو جای من نگه دار
نگهدار و نگهبانش تو باشی؟
بسه داد دل ناتوانان برس

انسان اشرف مخلوقات

این که انسان برترین آفریده خدا و شاهکار خلقت است. این که خداوند با لطف و قدرت خود آدمی را خلق کرد و از روح خود در آن دمید و به این ترتیب، انسان «اشرف مخلوقات» شد. در این مفهوم، هم‌چنین، به این موضوع اشاره می‌شود که همه موجودات و پدیده‌های دیگر در خدمت انسان‌اند. گاهی شاعر با این مقدمه مخاطب را به هشباری و عدم غفلت دعوت می‌کند.

(انسانی ۹۹)

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
بر کمی زن تا چو ماه عید روزافزون شوی
تو ز اندیشه روزی چه پریشان شده‌ای؟
کز دهشت من پنجه هم‌زور شود خشک
رزق خود را تو ز هر در چو گدا می‌طلبی

(تبریزی ۹۴)

جان محیط بر لب ساحل رسیده است
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
تاریشه‌ام به اشک ندامت رسیده است
تا میوه وجود تو کامل رسیده است

۳۸- بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
سر به جیب فکر بر تا از فلک بیرون شوی
آسیای فلک از بهر تو سرگردان است
پیچیدن سرپنجه من کار فلک نیست
آسمان است تو را ضامن روزی و ز حرص

۳۹- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر، متفاوت است؟

- ۱) تاگوهر وجود تو را نقش بسته است
- ۲) ابر و باد و مه و خورشید و فلک درکارند
- ۳) یک عمر غوطه در جگر خاک خورده‌ام
- ۴) صد پیرهن عرق گل خورشید کرده است

بی‌خبری عاشقانه / از خود بی‌خودی عاشق

اختیار خود را از دست دادن! طوری که آدم از خودش و چیزهایی که در اطرافش می‌گذرد، بی‌خبر باشد. این که «بیدار» باشی، اما «هشیار» نباشی. حسی میان خواب و بیداری؛ حالتی شبیه به مستی. یعنی به محض این که نشانه‌ای، خبری، حرفی از معشوق ببینی و بشنوی، از حال بروی. به این می‌گویند بی‌خبری عاشقانه!

(ریاضی ۹۹)

دریاب که حاجت به بیان نیست عیان را
رو بازگشادی و در نطق ببستی
وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای
با میان آمد و بی‌عقل و زبان گردیدیم

(زبان ۹۷)

از میان جمله او دارد خبر
بسی بی‌برگی انبدر پیش گیرم
دایم خبر به خانه ز بازار می‌بریم
از بی‌خبران بگذر و در خانه ما باش
سفله آن مست که باشد خبر از خویشانش

(زبان ۹۶)

۴۰- مفهوم همه ابیات یکسان است؛ به جز

- ۱) بر چهره وصفش چه محل زیور تقریر
- ۲) در روی تو گفتم سخنی چند بگویم
- ۳) هیچ نقاشت نمی‌بیند که نقشی بر کند
- ۴) صورت یوسف نادیده صفت می‌کردند

۴۱- بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- «آن‌که شده هم بی‌خبر هم بی‌اثر
گر اکنون ترک کار خویش گیرم
در دست ما ز مال جهان نیست خرده‌ای
خواهی خبر از خانه به بازار نیفتد
در مقامی که به یاد لب او می‌نوشتند

۴۲- عبارت زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

- ۱) هر کجا سروقدی چهره چو یوسف بنمود
- ۲) هر کسی بی‌خویشتن جولان عشقی می‌کند
- ۳) صورت یوسف، نادیده صفت می‌کردیم
- ۴) تو با این مردم کوتاه‌نظر در چاه کنعانی

(هنر ۹۵)

۴۳- بیت «آن که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر / از میان جمله او دارد خبر» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) به سوی او روم آن دم که می‌روم از خود
 - ۲) چشمت غم آن زلف سیه‌روز ندارد
 - ۳) مست آمدم از میکده عشق تو بیرون
 - ۴) کسی ز فتنه آخرزمان خبر دارد
- ز خویش بی‌خبرم لیک از او خبر دارم
از ماتم همسایه در این خانه خبر نیست
تا واقف از این نکته شود بی‌خبری چند
که زلف و کاکل و چشم تو در نظر دارد

(فارع از کشور ۹۴)

۴۴- بیت «آن که شد هم بی خبر هم بی اثر / از میان جمله او دارد خبر» با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟

۱) در دل شب خبر از عالم جانم کردند
 ۲) ای عشق شوخ بوالعجب آورده جان را در طرب
 ۳) اگر از خویش نباشد خبرم، نیست غریب
 ۴) سوی ما از یار ما با آن که می آید خبر

۱) در دل شب خبر از عالم جانم کردند
 ۲) ای عشق شوخ بوالعجب آورده جان را در طرب
 ۳) اگر از خویش نباشد خبرم، نیست غریب
 ۴) سوی ما از یار ما با آن که می آید خبر

(تورب ۹۳)

۴۵- بیت «آن که شد هم بی خبر هم بی اثر / از میان جمله او دارد خبر» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

و آن اثر دارد که او در بی نشانی بی نشان شد
 از این سر باخبر تر دامن آمد
 همراه چه حاجت سفر بی خبری را؟
 نمی توان به قدح ساخت بی خبر ما را

۱) آن خبر دارد از او کاه در حقیقت بی خبر گشت
 ۲) کسی را گر شود گویا بیانش
 ۳) در دامن منزل نبود بیم ز رهزن
 ۴) حریف بلاده آن چشم های مخموریم

(فارع از کشور ۹۳)

۴۶- مفهوم بیت «آن که شد هم بی خبر هم بی اثر / از میان جمله او دارد خبر» از کدام بیت استنباط می شود؟

گویا ز عدل ملک یکباره بی خبری
 کان که از خویش کند بی خبرم خویش آن است
 کسی کز سرّ این دریا سر مویی خبر دارد
 از تب و تاب جگر سوختگانش چه خبر؟

۱) تا کی خبر نشوی از حال خسته دلان
 ۲) بده آن باده نوشین که ندارم سر خویش
 ۳) ز عقل و جان و دین و دل به کئی بی خبر گردد
 ۴) هر که دودی نرسیده است بدو ز آتش عشق

۴۷- مفهوم عبارت «گفت: به خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.» از کدام بیت دریافت می شود؟

(هنر ۹۲)

که روز غم به جز ساغر نگیرم
 که یاد خویش گم شد از ضمیرم
 ز بام عرش می آید صفیرم
 جوان بخت جهانم گرچه پیرم

۱) قراری بسته ام با می فروشان
 ۲) چنان پر شد فضای سینه از دوست
 ۳) من آن مرغم که هر شام و سحرگاه
 ۴) قدح پر کن که من در دولت عشق

خاموشی و رازداری عاشقانه

خاموشی عارفانه؛ مفهومی که گاه مکمل مفهوم قبلی است و به زبان خودمانی یعنی این که عارف و واصل و خلاصه عاشق حقیقی اگر عمرش کفاف داد و بعد از آن همه پایین و بالای راه عشق و درد و بلای عاشقی، آخرش به معشوق رسیدند و به اصطلاح «به حقیقت عشق پی برد»، باید جنبه داشته باشد و چفت دهانش را محکم ببندد. (اگر خودش نبندد برایش می بندند!) راز عشق را که فاش نمی کنند؛ آن هم عشق حقیقی را و اصلاً عاشق باید بدانند شرط رسیدن همین بی خبری و خاموشی است.

(فارع از کشور انسانی ۹۸)

۴۸- مفهوم ابیات زیر، با همه ابیات تناسب دارد؛ به جز

کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
 کان را که خبر شد، خبری باز نیامد
 از پی دل بشد و سوخته پر باز آمد
 تا با خبری و الله او پرده بنگشاید
 چون ره تمام گشت، جرس بی زبان شود
 تو مپندار که دیگر به خبر باز آمد

«ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
 این مدعیان در طلبش بی خبرانند
 ۱) بنگر ای شمع که پروانه دگر باز آمد
 ۲) هر چیز که می بینی در بی خبری بینی
 ۳) واصل ز حرف چون و چرا بسته است لب
 ۴) هر که را بی خبر افتاد ز پیمانۀ عشق

(تورب ۹۷)

۴۹- بیت زیر با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

کان را که خبر شد خبری باز نیامد
 کافر عشق بود گر نشود باده پرست
 خبری از بر آن دلبر عیار بیار
 یعنی که مجو در طلبش راه سلامت
 اولین پروانه اش مهر لب اظهار بود

«این مدعیان در طلبش بی خبرانند
 ۱) عاشقی را که چنین باده شکیب دهنند
 ۲) خامی و ساده دلی شیوه جان بازان نیست
 ۳) در کوی وفا چاره به جز دادن
 ۴) عشق در هر دل که شمع بی قراری برفروخت جا نیست

(زبان ۹۷)

۵۰- بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

بر نیاید ز کشتگان آواز
 ورنه ویرانه من قابل تعمیر نبود
 که عشق اول زبان زین لشکر خون خوار می گیرد
 در مشرب تو تلخی دریا شود لذیذ
 دل را به نقد از همه کار جهان برآر

«عاشقان کشتگان معشوقانند
 ۱) عشق برداشت ز کوچک دلی از خاک مرا
 ۲) به آه و ناله گفتم دل تهی سازم ندانستم
 ۳) خوش کن به شور عشق دهن تا چو ماهیان
 ۴) کار غیور عشق شراکت پذیر نیست

(ریاضی ۸۷)

۵۱- بیت «این مدعیان در طلبش بی‌خبران اند / کآن را که خبر شد، خبری باز نیامد» با مفهوم کدام بیت متناسب است؟

- ۱) من نه کنون پا نهاده‌ام به خرابیات
 - ۲) دم نتوان زد به مجلسی که در آن جا
 - ۳) واسطه را با تو هیچ رابطه‌ای نیست
 - ۴) پرده تن را به دست شوق دریدیم
- بر سر این کوچه بوده‌ام ز اوایل
مهر خموشی زدند بر لب قایل (= گوینده)
کس به وصال تو چون رسد به وسایل؟
تا نشود در میان ما و تو حایل

۵۲- بیت «این مدعیان در طلبش بی‌خبران اند / کآن را که خبر شد، خبری باز نیامد» با همه ابیات، به غیر از بیت تناسب معنایی دارد؟ (هنر ۸۶)

- ۱) گر برود جان ما در طلب وصل دوست
 - ۲) هر که را اسرار حلق آموختند
 - ۳) نالیدن بلبل ز نوآموزی عشق است
 - ۴) کسی را در این بزم ساغر دهند
- حیف نباشد که دوست، دوست‌تر از جان ماست
مهر کردند و دهانش دوختند
هرگز نشنیدیم ز پروانه صدایی
کس که دروی بی‌هوشی‌اش دردهند

(تبریزی ۸۵)

۵۳- «آن را که خبر شد، خبری باز نیامد» با همه ابیات، به جز بیت قرابت مفهومی دارد.

- ۱) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
 - ۲) سخن مانند از تو همی یادگار
 - ۳) کسی را در این بزم ساغر دهند
 - ۴) از تن دوست در سرای مجاز
- مر زبان را مشتتری جز گوش نیست
سخن را چنین خوارمایه مدار
کس که دروی بی‌هوشی‌اش دردهند
جان برون آید و نیاید راز

۵۴- کدام گزینه با بیت «این مدعیان در طلبش بی‌خبران اند / کآن را که خبر شد، خبری باز نیامد» متناسب معنایی دارد؟

- ۱) ای بی‌خبر ز نیک و بد گشت روزگار
 - ۲) ای بی‌ترحم از من هرگز خبر نگیری
 - ۳) چون رسی در کوی او خاموش باش
 - ۴) دردم نهفته به ز طبیبان مدعی
- از خواب غفلت آخر یک راه سر برآر
بی من تو در تنعم، من در عذاب بی تو
او چو گوشت می کشد تو گوش باش
باشد که از خزانه غیبش دوا کند

۵۵- بیت «ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کآن سوخته را جان شد و آواز نیامد» با همه گزینه‌ها، به جز ارتباط معنایی دارد.

- ۱) لاف تقرّب مزن به حضرت جانان
 - ۲) چو پروانه آتش به خود درزنند
 - ۳) وگر سالکی محرم راز گشت
 - ۴) بلبل بی‌شرم گرم ناله بی‌جا گشته است
- زان که خموش‌اند بندگان مقرب
نه چون کرم پیله به خود برتنند
ببندند بر وی در بازگشت
عاشق خاموش باید غنچه مستور را

۵۶- مفهوم بیت «این مدعیان در طلبش بی‌خبران اند / کآن را که خبر شد، خبری باز نیامد» با کدام بیت متناسب است؟

- ۱) پوشیدن آشکار کند عیب جامه را
 - ۲) ساقی بهار می‌رسد و وجه می‌نماند
 - ۳) چون چشمه‌سار دامن الوند در بهار
 - ۴) از نارسیدگی‌ست که صوفی کند خروش
- خواهی ز خلق عیب تو پنهان شود میوش
فکری بکن که خون دل آمد ز غم به جوش
مخلص ز وصل لاله‌عذاران زدیم جوش
سیلاب چون به بحر رسد می‌شود خموش

۵۷- مفهوم کدام یک از ابیات زیر با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) نشود عاشق از فغان خاموش
 - ۲) چنانست عاشقان اندر جلال‌اند
 - ۳) بی خموشی در حریم قرب بار یافت
 - ۴) از دل نمی‌رسد نفس عاشقان به لب
- کار دریا بود همیشه خروش
عرفت الله کالی گنگ و لال‌اند
حلقه را از هرزه‌نالی، جای، بیرون در است
بلبل ز بی غمی است که فریاد می‌کند

پاک‌بازی عاشق

مرگ داوطلبانه؛ جان‌فشانی عاشقانه؛ بذل جان در راه عشق؛ این که عاشق حاضر است برای رسیدن به معشوق از جلوی تیر و دهان شیر بگذرد؛ از هفت شهر و هفت دریا عبور کند و از وسط میدان مین رد شود! این که اگر خدای نکرده عمر معشوق سرآمد، جان خودش را به پای معشوق بریزد و جناب عزرائیل را مات و میهوت کند! سرجمع این که، حاضر است با کمال میل جانش را بالای (یعنی برای!) معشوق بدهد و دم مردن هم اعضای بدنش را به چند معشوق نیازمند اهدا کند! خلاصه این که از آن مفاهیم «بی‌رودرواسی»^۱ است و هر کسی هم جرّزه‌اش را ندارد!

۱- درستش «بی‌رودریاستی» است، اما این طوری بی‌رودرواسی تر است!

۵۸- کدام گزینه با بیت «ای مرغ سحر! عشق ز پروانه پیاموز / کآن سوخته را جان شد و آواز نیامد» تناسب معنایی دارد؟

- ۱) روزگاری ست که سودای بتان دین من است
 - ۲) عشق بازی چیست؟ سر در پای جانان باختن
 - ۳) رحمت آرید بر آن مرغ سحرخوان چمن
 - ۴) مرزجان دلم را که این مرغ وحشی
- غم این کار نشاط دل غمگین من است
با سر اندر کوی دلبر عشق نتوان باختن
کاو بمائند ز گل و طرف گلسستان محروم
ز بامی که برخاست مشکل نشیند

توصیف پیامبر (ص)

بیان فضایل پیامبر اسلام (ص)؛ این که ایشان برترین انسان‌ها و آخرین پیامبران‌اند؛ دانا هستند، عادل‌اند، خوش‌خُلق‌اند، امانت‌دارند، «رحمة للعالمین»‌اند. خود خدا گفته؛ یعنی امیدی برای همه آدم‌ها؛ یعنی همه چیز.

اتا صفات کنکوری پیامبر (ص): شفاعت‌کننده (شفیع)، فرمان‌روا (مطاع)، پیام‌آور (نبی)، بخشنده (کریم)، صاحب جمال (قسیم)، خوش‌اندام (جسیم)، خوش‌بو (نسیم)، دارای نشان پیامبری (وسیم)، بلندمرتبه (بَلَّغَ الْعُلَى ...)، برطرف‌کننده تاریکی‌ها (كَشَفَ الدُّجَى ...)، نیکو رفتار (حَسَنَتِ جَمِيعٌ ...)، سزاوار سلام و درود (صَلُّوا عَلَيْهِ ...)

۵۹- کدام گزینه با قسمت مشخص شده بیت «بَلَّغَ الْعُلَى بجمالِه / كَشَفَ الدُّجَى بجمالِه / حَسَنَتِ جَمِيعٌ خصاله، صَلُّوا عَلَيْهِ و آله» ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) صد نوع از این کمال بر اهل رای و هوش
 - ۲) ظلمت بترد رخت چو خورشید برآید
 - ۳) هر لحظه رخت داد جمال رخ خود را
 - ۴) آن مه که وفا و حسن سرمایه اوست
- با حسن ذات عامی نیکو خصال چیست
بردار ز رخ پرده که در خانه کسی نیست
بر دیده خود جلوه به صد کسوت زیبا
اوج فلک حسن، کمین پایه اوست

فرارسیدن بهار

حرف از بهار است و فرارسیدنش ... بوی خوشش ... رنگ‌هایش و ... موضوعی که بیشتر جنبه تصویری دارد، یعنی دیدنی است نه ادراک کردنی. در ادبیات فارسی معمولاً چنین توصیفات بیشتری مقدمه‌ای هستند برای طرح موضوعاتی دیگر مثلاً بیان موضوعی عرفانی یا روایت کردن داستانی عاشقانه یا مدح و ستایش پادشاه و ... گاهی ممکن است خود این مقدمه نیز (وصف بهار) مورد سؤال قرار بگیرد و البته در چنین مواردی باید به کارکرد آرایه‌ها توجه بیشتری داشته باشیم.

(ریاضی ۹۹)

۶۰- مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- ۱) شکفته لاله نعمان به سان خوب‌رخساران
 - ۲) وقت است از شکوفه چمن سیم‌تن شود
 - ۳) سنبل او می‌خرامد دست بر دوش بهار
 - ۴) شده‌است چون رخ لیلی و سینه مجنون
- به مشک اندر زده دل‌ها به خون اندر زده سرها
هر خار خشک یوسف گل‌پیرهن شود
تا کند در وقت فرصت حلقه در گوش بهار
ز جوش لاله و گل دامن بیابان‌ها

درس یکم گنج حکمت: گمان

گویند که بطی در آب روشنایی می‌دید؛ پنداشت که ماهی است. قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. نکوهش اسیر توهمات بودن دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نیبوستی، و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند. نکوهش بدبینی، تلاش نکردن و ناامیدی

نکوهش قیاس نابجا

پدیده‌هایی با ظاهر مشابه ممکن است باطن متفاوت داشته باشند؛ بنابراین، نباید پدیده‌های مشابه را لزوماً یکسان تصور کنیم. خودداری از این «قیاس نابجا»، یعنی مقایسه نادرست، خیلی مهم است. در درس، تصوّر نادرست از دو پدیده مشابه در قالب داستان مرغابی و نور ستاره در آب، ما را از قیاس نابجا پرهیز می‌دهد.

۶۱- مفهوم عبارت «دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نیبوستی، و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه

بماند.» در کدام گزینه مورد اشاره است؟

- ۱) شب بود و عشق و وادی هجران و شهریار
 - ۲) دردا و حسرت! که رسد مردم جوان
 - ۳) صد هزاران این چنین اشباه بین
 - ۴) زان به بود که سیر کنی صد گرسنه را
- ماهی نتافت تا شود از مهر هادی‌م
روزی به تجربت که نیاید به کار او
فرقش آن هفتادساله راه بی‌سن
چشم گرسنه خود اگر سیر می‌کنی

مراعات نظیر (تناسب)

معرفی: رابطه‌ای است میان دو یا چند واژه از یک مجموعه. این ارتباط ممکن است یک ارتباط «معنایی» یا «کاربردی» باشد. واژه‌های متناسب، از نظر جنس، نوع، مکان، زمان، همراهی یا موارد دیگر، متعلق به یک گروه‌اند.

نکات مهم

- ۱ مراعات و تناسب:** نام «مراعات نظیر» و «تناسب» هیچ تفاوتی با هم ندارند و هرچه جز این خوانده‌ای یا شنیده‌ای فراموش کن. مراعات و تناسب همیشه و همه‌جا به معنی هم‌دیگر به کار رفته‌اند و در آزمون‌ها تا دلت بخواهد نمونه دارند.
- ۲ حداقل ۲ تا:** تعداد عناصر مرتبط برای اثبات آرایه مراعات، هیچ حداقلی ندارد. دو واژه هم کافی است. به شرطی که واژه‌ها قابلیت تولید مراعات داشته باشند. این باور غلط رایج که مراعات باید حداقل بین سه واژه شکل گرفته باشد، با ماهیت مراعات منافات دارد.
- ۳ حذف شاخ و برگ‌ها:** مراعات بین شکل خام واژه‌ها و در حقیقت، بین هویت و مفهوم و تصویر ذهنی از چند عنصر شکل می‌گیرد، نه در ساختار واژگانی و دستوری آن‌ها؛ بنابراین شاخ و برگ‌های اضافی چسبیده به عناصر مراعات‌ساز، مانند تکواژهای تصریفی - اعم از نشانه‌های جمع (ان، ات)، تر و ترین، ی نکره - همین‌طور، شکل مخفف (کوتاه شده) فعل اسنادی (م، ی، است، یم، ید، ند) و نیز ضمائر متصل (م، ت، ش، مان، تان، شان) اشکالی در تناسب عناصر با هم و شکل‌گیری مراعات نظیر ایجاد نمی‌کنند؛ حتی ساختمان واژه، یعنی ساده، مشتق، مرکب یا مشتق - مرکب بودن هم، مهم نیست. با این نگاه، در واژه‌های مرکب «گل‌رخ» و «لاله‌روی»، عناصر «گل و لاله» و «رخ و روی» را متناسب می‌دانیم. همین‌طور در «دیوچهر» و «پریوش»، «دیو و پری» را.

نمونه‌ها

گر به هیچم نرسد خود به دعایی برسد	پای را بازگیر از سرم ای دوست! که دست پای، سر، دست: مجموعه اندام انسان
که دگر نه عشق خورشید و نه مهر ماه دارم	چه شب است یارب امشب که ستاره‌ای برآمد ستاره، خورشید، ماه: مجموعه اجرام آسمانی
عدد از درهم است و از دینار	سگه شاه و نقش سگه یکی است سگه، درهم، دینار: مجموعه امور مالی
قلم گیر و دوات و نامه پیش آر	دل خود بازده دل را به خویش آر قلم، دوات، نامه: مجموعه ابزار نگارش
هم‌چو ماهی در میان آب خوابم می‌برد	از سرم تا نگردد می‌کم نگرده رعشه‌ام ماهی، آب: مجموعه دریایی‌ها
زیر پی پیلش بین شهامت شده نعمان	از اسب پیاده شو بر نطع زمین رخ نه اسب، پیاده، نطع، رخ، پیل، شهامت: مجموعه اصطلاحات شطرنج ^۱
وز شاخ آرزو گل عیشی نچیده‌ام	از جام عاقبت می‌نابی نخورده‌ام جام، می: مجموعه می‌گساری / شاخ، گل: مجموعه گیاهان
بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی	کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق لنگر، کشتی، طوفان: مجموعه دریایی‌ها
که آن خلیل بنا کرد و این خدا خود ساخت	برو طواف دلی کن که کعبه مخفیست طواف، کعبه، خلیل، خدا: مجموعه اصطلاحات مذهبی
چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد	ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد ارغوان، سمن، نرگس، شقایق: مجموعه گیاهان
نقشی به یاد روی تو بر آب می‌زدم	دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم سیل، اشک، آب: مجموعه آبکی‌ها!

از خودآرایان نمی‌باید بصیرت چشم داشت	عیب پیش پا نیاید در نظر طاووس را
بصیرت، چشم، نظر: مجموعه نگرستن / چشم، پا: مجموعه اندام انسان	
از دل خویش اگر زنگِ غرض دور کنی	هرچه زشت است در این آینه زیبا بینی
زنگ، آینه: مجموعه اصطلاحات مربوط به آینه	
جهان گشاده ثنای تو را چو تیر، دهان	زمانه بسته رضای تو را چو نیزه، کمر
جهان، زمانه: مجموعه قضا و قدر / تیر، نیزه: مجموعه جنگ‌افزار / دهان، کمر: مجموعه اندام انسان	
نرگست در طاق ابرو از چه خفتد بی‌خبر؟	ز آن‌که جای خواب مستان گوشه محراب نیست
طاق، محراب: مجموعه سازه‌های مذهبی	
ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند	تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
ابر، باد، مه، خورشید، فلک: مجموعه عناصر طبیعی	
مژگان تو خنجر به رخ ماه کشیده	ابروت زده بر سر خورشید کمان را
مژگان، رخ، ابرو: مجموعه اندام انسان / خنجر، کمان: مجموعه جنگ‌افزار / ماه، خورشید: مجموعه اجرام آسمانی	
مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو	یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
مزرع، داس، کشته، درو: مجموعه کشاورزی / فلک، مه: مجموعه آسمانی‌ها	
در گوهر جان بنگر اندر صدف این تن	کز دست گران‌جانی انگشت همی‌ساید
گوهر، صدف: مجموعه دریایی‌ها / جان، تن: مجموعه ابعاد وجودی انسان / دست، انگشت: مجموعه اندام انسان	
چون جغد بود اصلش کی صورت باز آید؟	چون سیر خورد مردم کی بوی پیاز آید؟
جغد، باز: مجموعه پرندگان / اصل، صورت: مجموعه ابعاد وجودی انسان / سیر، پیاز: مجموعه سبزیجات	
دردا که از آن آهوی مشکین سیه‌چشم	چون نافه بسی خون دل‌م در جگر افتاد
آهو، مشکین، نافه: مجموعه عناصر مربوط به آهو / چشم، دل، جگر: مجموعه اندام انسان	

تمرین

در کدام گزینه آرایه «مراعات نظیر» وجود ندارد؟

- ۱) بتان چین و ترک و روم و بربر
 - ۲) به دست و پای مادر اندر افتاد
 - ۳) هر آن گاهی که بر درگاه باشم
 - ۴) مرا رخسار او ماه است و خورشید
- بنفشه زلف و گل‌روی و سمن‌بر
 هزاران بوسه بر دستش همی‌داد
 ز بیمش گویی اندر چاه باشم
 مرا دیدار او کام است و امید

روش حل تست

(مرور ذهنی: مراعات یعنی تناسب بین کلمه‌ها)

مراحل کار:

- ۱ استخراج واژه‌های مظنون به مراعات: در این مرحله، برای هر «واژه مظنون به مراعات» چند واژه متناسب را به‌طور کلی و نه لزوماً با توجه به بیت، در یک کمانک (پرانتر) روبه‌روی آن نوشته‌ایم.
- ۲ حذف واژه‌های مستعد بیکار: حذف کلماتی که بالقوه استعداد و قابلیت مراعات دارند، اما در بیت حاضر کلمه متناسبی برای آن‌ها پیدا نمی‌شود، در نتیجه استعداد آن‌ها بی‌استفاده مانده است.
- ۳ دسته‌بندی و انتخاب پاسخ: دسته‌بندی، به ویژه به درد سؤالاتی می‌خورد که تعداد مجموعه‌های متناسب پرسیده می‌شود.

بررسی گزینه‌ها، مرحله به مرحله:

- ۱) بتان چین و ترک و روم و بربر بنفشه زلف و گل‌روی و سمن‌بر

- ۱ واژه‌های مظنون (به ترتیب، هر کدام مستعد مراعات با واژه‌های داخل کمانک): بتان (بتخانه، صنم، هندو) / چین (هند، روم) / ترک (شام، چین) / روم (هند، چین) / بربر (ترک) / بنفشه (سمن، نرگس) / زلف (روی، چشم) / گل (بنفشه، سمن) / روی (دست، ساق) / سمن (بنفشه، نرگس) / بر (زلف، رو) (می‌دانیم حروف اضافه و ربط و عطف، با چیزی تناسب ندارند؛ پس نمی‌توانند مراعات نظیر تولید کنند.)
- ۲ حذف واژه‌های مستعد بیکار: حذف «بت» (مستعد مراعات با «صنم و هندو و ...»، اما در بیت حاضر، بی‌تناسب) به‌علاوه، شاخ و برگ‌های اضافی مثلاً نشانه جمع «ان» در «بتان» را حذف می‌کنیم. این هم مهم نیست که مصراع دوم از کلمات «مرگب» تشکیل شده. اجزای آن‌ها را جدا می‌کنیم. می‌ماند: چین / ترک / روم / بربر / بنفشه / زلف / گل / روی / سمن / بر

۳ **دسته‌بندی:** چین، ترک، روم، بربر (اقوام و سرزمین‌ها) / بنفشه، گل، سمن (گل و گیاه) / زلف، روی، بر (اندام انسان)

نتیجه: بیت مراعات دارد.

۲) به دست و پای مادر اندر افتاد هزاران بوسه بر دستش همی‌داد

۱ **واژه‌های مظنون (به ترتیب، هر کدام مستعد مراعات با واژه‌های داخل کمانک):** دست (پا، سر) / پا (روی، چشم) / مادر (پدر، برادر) / افتاد (انداختن،

افکندن، سقوط) / هزاران (یک، ده، صد) / بوسه (لب، آغوش، کنار) / ش (م، ت، او، وی) / همی‌داد (دادن، بخشیدن، سپردن)

۲ **حذف واژه‌های مستعد بیکار:** «مادر، افتاد، هزاران، بوسه، ش، همی‌داد»، می‌ماند: دست / پا

۳ **دسته‌بندی:** دست، پا (اندام انسان)

نتیجه: بیت مراعات دارد.

۳) هر آن گاهی که بر درگاه باشم ز بیمش گویی اندر چاه باشم

۱ **واژه‌های مظنون (به ترتیب، هر کدام مستعد مراعات با واژه‌های داخل کمانک):** گاه (روزگار، روز، بامداد) / درگاه (قصر، پادشاه، بارگاه) / بیم (هول،

هراس، ترس، خوف) / چاه (یوسف، برادران، مصر)

۲ **حذف واژه‌های مستعد بیکار:** برای هیچ‌کدام از کلمات نام‌برده که بالقوه «قابلیت مراعات‌سازی» هم دارند، کلمه متناسبی در بیت یافت نمی‌شود.

نتیجه: بیت مراعات ندارد.

۴) مرا رخسار او ماه است و خورشید مرا دیدار او کام است و امید

۱ **واژه‌های مظنون:** من (تو، او) / رخسار (چهره، روی، رخ، دیدار (به‌معنی چهره)، بر، ساق، جبین) / ماه (خورشید، مهر، زهره) / خورشید (ماه و مهر) /

دیدار (رخسار، چهره) / کام: (امید، آرزو، ... / امید (آرزو، کام)

۲ **حذف واژه‌های مستعد بیکار:** «من»، می‌ماند: رخسار / ماه / خورشید / دیدار / کام / امید

۳ **دسته‌بندی:** رخسار، دیدار (اندام انسان) / ماه، خورشید (اجرام آسمان) / کام، امید (انگیزه‌های مثبت)

نتیجه: بیت مراعات دارد.

«مراعات‌نظیر» اینه که کلمه‌ها به‌پوری به هم ربط داشته باشن؛ هرپوری! مثلاً همه‌شون به‌ی‌کاری مربوط شن. مال یه منظره باشن. مال یه مجلس. مربوط بشن به یه دسته از اشیا، ابزار، حیوونا ...

۱۶۸۳- در کدام گزینه آرایه «تناسب» به‌کار نرفته است؟

- ۱) گر همی باشم به کنج خانه شیدا می‌شوم
- ۲) چه شب است یارب امشب که ستاره‌ای برآمد
- ۳) کشتی ما چون صدف در دامن ساحل شکست
- ۴) پای را بازگیر از سرم ای دوست! که دست

۱۶۸۴- در کدام گزینه آرایه «تناسب» وجود ندارد؟

- ۱) دگر به روی خود از خلق در بخواهم بست
- ۲) چون تیر زند چشمت سیاره هدف گردد
- ۳) سگه شاه و نقش سگه یکی ست
- ۴) دل خود بازده دل را به خویش آر

۱۶۸۵- در کدام گزینه آرایه «مراعات‌نظیر» وجود ندارد؟

- ۱) هرچه در این پرده نشانت دهند
- ۲) پایش از آن پویه درآمد ز دست
- ۳) گرم شو از مهر و ز کین سرد باش
- ۴) عقل به شرع تو ز دریای خون

ور همی آییم میان خلق رسوا می‌شوم
که دگر نه عشق خورشید و نه مهر ماه دارم
وقت موجی خوش که در آغوش دریا بشکند
گر به هیچم نرسد خود به دعایی برسد

مگر کسی ز توام مژده‌ای فراز آر
چون تیغ کشد مه‌ت گردون سپر اندازد
عدد از درهم است و از دینار
قلم گیر و دوات و نامه پیش آر

گر نپسندی به از آنت دهند
مهر دل و مهره پشتش شکست
چون مه و خورشید جوان‌مرد باش
کشتی جان برد به ساحل درون

یادت باشه!

بین «مراعات‌نظیر» و «تناسب» فرق نزاری! با هودت تکی آله رو تا بود، «تناسب» میشه آله بیشتر بود، «مراعات‌نظیر»!
تا حالا طراهای کنگور توی هیچ سوالی پینشون فرق نداشتن!

تضاد (طباق)

معرفی: رابطه‌ای است میان دو واژه یا عبارت که مفهومی مخالف هم داشته باشند. تضاد ممکن است میان دو عنصر، دو ویژگی، دو مفهوم یا دو حکم برقرار باشد و از نظر ساختار زبانی، بین دو اسم، دو صفت، دو قید، دو ترکیب، دو عبارت، دو فعل یا دو جمله شکل بگیرد.

نکات مهم

۱ نیت تضاد: تضاد لزوماً نباید بین دو عنصر شناخته شده کاملاً مخالف شکل بگیرد. انتظار نداشته باش طراح همیشه زوج‌هایی را از نوع «آب و آتش»، «شب و روز» یا «زشت و زیبا» انتخاب کند که تضاد میان آن‌ها مشخص است و اصلاً بدیهی به نظر می‌آید؛ بلکه در کلمات متضاد - هرچه قدر شناخته یا ناشناخته - «نیت تضاد» مهم است. طراح - و اصلاً از همان اول، شاعر - باید «نیت تضاد» داشته باشد؛ یعنی دو واژه را به عنوان دو عنصر مخالف هم به کار ببرد باشد، حتی اگر آن دو، خارج از بیت، متضادهای رایجی برای هم نباشند؛ پس «نیت» حرف اول را می‌زند، که فرموده‌اند: «إنما الأعمال بالنیات» زشت باید دید و انگارید خوب زهر باید خورد و انگارید قند در این نمونه، علاوه بر زشت و خوب (به معنی ادبیاتی «زیبا») که تضاد رایج و شناخته شده‌ای دارند، زهر و قند را هم متضاد می‌دانیم؛ «زهر» نماد تلخی و «قند» نماد شیرینی. همین کافی است که شاعر، این دو را به عنوان دو عنصر مقابل هم، به کار ببرد؛ درحالی‌که به‌طور جداگانه، متضاد زهر را «پادزهر» می‌دانیم و متضاد قند را مثلاً «نمک»!

۲ تضاد فعلی: یکی از شکل‌های مهم تضاد - که از دید طراح هم دور نمانده - تضاد میان فعل هاست. از نکات مربوط به تضاد فعلی، «انواع تضاد فعلی»، «تضاد در مصدر» و «تضاد شکافته» را ذکر می‌کنیم:

انواع تضاد فعلی:

الف) تضاد فعل با منفي خودش:

خاکم به باد **رفت** و **نرفت** از جبین شوق یک سجده‌وار حسرت آن آستانه‌ام (رفتن ≠ نرفتن)
ب) تضاد فعل با فعل مقابل خودش:

جوانمی و زیبایمی‌ام **رفت** و **آمد** ضعیفی و پیوستگی و بی‌دست‌وپایی (رفتن ≠ آمدن)
ملاک، مصدر:

در تضاد میان فعل‌ها، شخص و زمان فعل - اصطلاحاً «صیغه» - مهم نیست، بلکه «اصل عمل» مهم است؛ یعنی کافی است مفهوم دو فعل، یعنی مصدر آن دو، با هم متضاد باشند؛ و تضاد در مفهوم فعل هم، شامل تضاد از نوع منفي یا تقابلی است، چنان که در بالا گفته شد.

پنداشتیم که مهر تو با جان سرشته است جان از میانه **رفت** و **نفتی** ز یاد ما (رفتن ≠ نرفتن)
تضاد شکافته:

در تضاد میان فعل‌ها مراقب باش که پیشوند نفی «ن» ممکن است از فعل خود جدا شده و به صورت «نه» با فاصله، پیش از آن آمده باشد. در این حالت، فعل مثبت با «فعل منفي شکافته» تضاد دارد.

بیستون کردن فرهاد **نه** کاری **است** شگفت شور شیرین به سر هرکه فتد کوهکن **است** (نه... است نیست) ≠ است)
من امروز **ن**ز بهر جنگ **آمدم** پی پوزش و نام و ننگ **آمدم** (نه... آمدم نیامدم) ≠ آمدم)
این یک دو دم که مهلت دیدار ممکن **است** دریاب کار ما که **نه** پیداست کار عمر (است ≠ نه... است نیست))

نمونه‌ها

درنیابد حال **پخته** هیچ **خام** پس سخن کوتاه باید و السلام

پخته ≠ خام

بیا **بنشین** و می **بستان** و می **نوش** چو می خوردی **سبک** **برخیز** و **مخروش**

نشستن ≠ **برخاستن**

صبـا به غـالیه سـایـی و گل به جلوه گری	به بوی زلف و رخت می روند و می آیند
	رفتن ≠ آمدن
مهربان بودی شـدی نامهربان	نیک خو بودی شـدی نایک خو
	نیک خو ≠ نایک خو / مهربان ≠ نامهربان
با او به هیچ جا نرسید این فغان ما	جایی رسید ناله که از آسمان گذشت
	رسیدن ≠ نرسیدن
تحمّل می کنم با زخم چون مرهم نمی بینم	قناعت می کنم با درد چون درمان نمی یابم
	درد ≠ درمان / زخم ≠ مرهم
ای لب شیرین، جواب تلخ سربالا چرا؟	شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود
	پرسش ≠ جواب / سر به زیر افکنده بودن ≠ سربالا بودن (زیر ≠ بالا) / شیرین ≠ تلخ
مرگم رسیده بود ولیکن خدا نخواست	گردون مرا ز محنت هستی رها نخواست
	هستی ≠ مرگ
هم چو نی دمساز و مشتاقی که دید؟	هم چو نی زهری و تریاقی ^۱ که دید؟
	زهر ≠ تریاق
عشق است اصل دردها، عشق است هم درمان عشق ^۲	هم شادی و هم غم بود هم سوز و هم ماتم بود
	شادی ≠ غم / سوز ≠ ماتم / درد ≠ درمان
دهر مست است و رای تو هشیار	چرخ پست است و همت تو بلند
	پست ≠ بلند / مست ≠ هشیار
چون در این باشید، از آن ییاد آورید	روز شادی را شب غم در قفاست
	روز ≠ شب / شادی ≠ غم
از دشمن و دوست، خوب و بد بشنیدم	عمری به هوس گرد جهان گردیدم
	دشمن ≠ دوست / خوب ≠ بد
صلح و جنگش رنج و راحت، مهر و کینش حلّ و عقد	دست و تیغش آب و آتش، حلم و خشمش، خیر و شر
	آب ≠ آتش / حلم ≠ خشم / خیر ≠ شر / صلح ≠ جنگ / رنج ≠ راحت / مهر ≠ کین / حل (گشودن) ≠ عقد (بستن)

تمرین

در کدام بیت آرایه «تضاد» بیشتر به کار رفته است؟

- ۱) کینه دشمن مرا گفتمی چرا در سینه نیست
 - ۲) سرد و پژمرده شده است اکنون چمن چون طبع پیر
 - ۳) دشمنان دوست را هنگام جنگش هست و نیست
 - ۴) هم شادی و هم غم بود هم سوز و هم ماتم بود
- بس که مهر دوست آن جا هست جای کینه نیست
چند گه گر بود گرم و تازه چون طبع جوان
درد و درمان، رنج و راحت، بی قراری و سکون
عشق است اصل دردها، عشق است هم درمان عشق

۱- زهر و تریاق هر دو همزمان تعبیری برای «نی» هستند و از این نظر، «پارادوکس» ساخته اند؛ در عین حال، طراح، واژه های «زهر و تریاق» را - بدون توجه به مفهوم بیت یا ارتباط متناقض نمای آن ها - مصداق «تضاد» می داند.

۲- همزمان بودن شادی با غم، سوز با ماتم و درد با درمان، در واقع، مصداق آرایه «پارادوکس» است، اما مطابق نظر طراح، این واژه ها علاوه بر کاربرد متناقض نمای خود، دویله دو با هم رابطه «تضاد» دارند.

مراحل کار:

- ۱ استخراج واژه‌های **مظنون به تضاد**: تعیین واژه‌هایی که بالقوه تضاد می‌سازند و حذف کلماتی که اصلاً استعداد و قابلیت تضاد ندارند. در این مرحله، برای هر واژه «مظنون به تضاد»، یک تا چند واژه متضاد را به‌طور کلی و نه لزوماً با توجه به بیت در یک کمانک (پرانترز) روبه‌روی آن نوشته‌ایم.
- ۲ حذف واژه‌های **مستعد بیکار**: حذف کلماتی که بالقوه استعداد و قابلیت تضاد دارند، اما در بیت حاضر کلمه متضادی برای آن‌ها پیدا نمی‌شود؛ در نتیجه، استعداد آن‌ها بی‌استفاده مانده است.
- ۳ **دسته‌بندی، شمارش و انتخاب پاسخ**: دسته‌بندی، به‌ویژه به درد سوالاتی می‌خورد که تعداد مجموعه‌های متناسب پرسیده می‌شود.

بررسی گزینه‌ها، مرحله به مرحله:

۱) کینه دشمن مرا گفתי چرا در سینه نیست / بس که مهر دوست آن‌جا هست جای کینه نیست

- ۱ واژه‌های **مظنون (به ترتیب، هر کدام مستعد تضاد با واژه‌های داخل کمانک)**: کینه (مهر) / دشمن (دوست) / گفתי (نگفتن یا شنیدن) / نیست (هست، است، بُود) / مهر (کینه) / دوست (دشمن) / آن‌جا (این‌جا) / هست (نیست، نباشد) / کینه (مهر) / نیست (هست، است، بُود)
- ۲ حذف واژه‌های **مستعد بیکار**: از بین واژه‌های «قابل تضاد»، آن‌هایی را که متضادی در بیت ندارند، حذف می‌کنیم «گفתי / آن‌جا»؛ می‌ماند: کینه / دشمن / نیست / مهر / دوست / هست / کینه / نیست
- ۳ **دسته‌بندی**: کینه ≠ مهر / دشمن ≠ دوست / نیست ≠ هست

نتیجه: تضاد دارد: ۳ مورد

۲) سرد و پژمرده شده‌ست اکنون چمن چون طبع پیر / چند گه گر بود گرم و تازه چون طبع جوان

- ۱ واژه‌های **مظنون (به ترتیب، هر کدام مستعد تضاد با واژه‌های داخل کمانک)**: سرد (گرم) / پژمرده (تازه) / شده‌ست (نشده‌ست) / پیر (جوان) / بود (نبود) / گرم (سرد) / تازه (پژمرده) / جوان (پیر)
- ۲ حذف واژه‌های **مستعد بیکار**: از بین واژه‌های «قابل تضاد»، آن‌هایی را که متضادی در بیت ندارند، حذف می‌کنیم «نشده‌ست / بود»؛ می‌ماند: سرد / پژمرده / پیر / گرم / تازه / جوان
- ۳ **دسته‌بندی**: سرد ≠ گرم / پژمرده ≠ تازه / پیر ≠ جوان

نتیجه: تضاد دارد: ۳ مورد

۳) دشمنان دوست را هنگام جنگش هست و نیست / درد و درمان، رنج و راحت، بی‌قراری و سکون

- ۱ واژه‌های **مظنون (به ترتیب، هر کدام مستعد تضاد با واژه‌های داخل کمانک)**: دشمنان (دوستان) / دوست (دشمن) / جنگ (صلح) / هست (نیست، نباشد) / نیست (هست، است، بُود) / درد (درمان) / درمان (درد) / رنج (راحت) / راحت (رنج) / بی‌قراری (قرار، سکون) / سکون (حرکت، بی‌قراری)
- ۲ حذف واژه‌های **مستعد بیکار**: از بین واژه‌های «قابل تضاد»، آن‌هایی را که متضادی در بیت ندارند، حذف می‌کنیم «جنگ». شاخ‌وبرگ‌های اضافی مانند «ان» جمع در «دشمنان» را هم حذف می‌کنیم؛ می‌ماند: دشمن / دوست / هست / نیست / درد / درمان / رنج / راحت / بی‌قراری / سکون
- ۳ **دسته‌بندی**: دشمن ≠ دوست / هست ≠ نیست / درد ≠ درمان / رنج ≠ راحت / بی‌قراری ≠ سکون

نتیجه: تضاد دارد: ۵ مورد

۴) هم شادی و هم غم بُود هم سور و هم ماتم بُود / عشق است اصل دردها، عشق است هم درمان عشق

- ۱ واژه‌های **مظنون**: شادی (غم) / غم (شادی) / بُود (نبُود، نیست، نباشد) / سور (غم، ماتم) / ماتم (شادی، جشن، سور) / است (نیست، نبُود، نباشد) / اصل (فرع) / دردها (درمان‌ها) / است (نیست، نبُود، نباشد) / درمان (درد)

۲ حذف واژه‌های مستعد بیکار: از بین واژه‌های «قابل تضاد»، آن‌هایی را که متضادی در بیت ندارند، حذف می‌کنیم «بُود / است / اصل». شاخ‌وبرگ‌های

اضافی مانند «ها» در «دردها» را هم حذف می‌کنیم. می‌ماند: شادی، غم، سور (مجلس شادی)، ماتم (مجلس غم)، درد، درمان

۳ دسته‌بندی: شادی ≠ غم / سور ≠ ماتم / درد ≠ درمان

نتیجه: تضاد دارد: ۳ مورد

مثل «مراعات نظیر»، بیشتر وقتا صورت سؤال تضاد رو هم منفی می‌رن.

۱۶۸۶- در کدام بیت آرایه «تضاد» به‌کار رفته است؟

- | | |
|---|--|
| <p>تو را که گفت که بگشا دهن به غیبت مردم؟
چو می خوردی سبک برخیز و مخروش
شادی چو آن من شد غم را چه کار با من؟
صبا به غالیه‌سایب و گل به جلوه‌گری</p> | <p>(۱) شنیده‌ام که تو گفستی بد است حال فلانی
(۲) بیابنشین و می بستان و می نوش
(۳) با بخت سعد یارم چون هست یار با من
(۴) به بوی زلف و رخت می‌روند و می‌آیند</p> |
|---|--|

۱۶۸۷- در کدام گزینه آرایه «تضاد» وجود ندارد؟

- | | |
|---|--|
| <p>ز آشیانه ما بوی یار می‌آید
مهربان بودی شدی نامهربان
با او به هیچ جا نرسید این فغان ما
آب از برون نریز که آتش به جان گرفت</p> | <p>(۱) اگرچه باد خزان رفت پاک گلشن را
(۲) نیک‌خو بودی شدی نایک‌خو
(۳) جایی رسید ناله که از آسمان گذشت
(۴) ای آشنا که گریه‌کنان پند می‌دهی!</p> |
|---|--|

۱۶۸۸- در همه گزینه‌ها، به‌جز آرایه «تضاد» وجود دارد.

- | | |
|--|--|
| <p>که جز وصل تو از عمر ابد ممنون نخواهد شد
قضا غلام و جهان بنده و فلک چاکر
شمع صبح عالم اقبال داند شام را
سیل اشک من ز ماهی تا به مه خواهد شدن</p> | <p>(۱) چنان رنجور کردی از بلای هجر فانی را
(۲) جهان مسخر حکم تو و زمانه مطیع
(۳) تیره‌بختی نیز مفت اعتبار زندگی است
(۴) «محتشم!» گر بحر غم امواج خواهد زد چنین</p> |
|--|--|

بعضی وقتا هم باید «تضاد» تضاد رو بشمری. این‌ها کار، سفت تره. دست کم نگیری شون!



(ریاضی ۹۱)

۱۶۸۹- در کدام بیت بیشترین آرایه «تضاد» وجود دارد؟

- | | |
|--|---|
| <p>آن را که فلک زهرر جدایی نچشانند
تحمل می‌کنم با زخم چون مرهم نمی‌بینم
ای لب شیرین جواب تلخ سربالا چرا؟
مرگم رسیده بود ولیکن خدا نخواست</p> | <p>(۱) شیرین نماید به دهانش شکر وصل
(۲) قناعت می‌کنم با درد چون درمان نمی‌یابم
(۳) شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود
(۴) گردون مرا ز محنت هستی رها نخواست</p> |
|--|---|

۱۶۹۰- در کدام بیت آرایه «تضاد»، بیشتر به‌کار رفته است؟

- | | |
|--|---|
| <p>دهر مسست است و رای تو هشیار
از دشمن و دوست خوب و بد بشنیدم
صلح و جنگش رنج و راحت، مهر و کینش حلّ و عقد
چون در این باشید، از آن ییاد آورید</p> | <p>(۱) چرخ پست است و همّت تو بلند
(۲) عمری به هوس گرد جهان گردیدم
(۳) دست و تیغش آب و آتش، حلم و خشمش خیر و شر
(۴) روز شادی را شب غم در قفاست</p> |
|--|---|

آزمون‌های جمع‌بندی قرباب معنایی دهم

حالا که به انتهای بخش قرباب معنایی در کتاب دهم رسیدی و تمام تست‌هایی را که در کنکورهای اخیر آمده بود در کنار کَلّی تست تألیفی بررسی کردی تازه رسیده‌ایم به اول داستان. حس‌هایی داری که ما هم آن‌ها را درک می‌کنیم.

حس می‌کنی همه چیز را بلدی، اما باز هم یک جای کار می‌لنگد، حس می‌کنی به سؤالات بیشتری نیاز داری، سؤالاتی بیشتر و سخت‌تر که تو را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو کنند. حس می‌کنی باید مهارتت را بالا و بالاتر ببری، حس می‌کنی ممکن است همه زحمات هدر برود و نقشه‌هایی که برای موفق شدنات کشیده بودی به طرفه‌العینی نقش بر آب شود، احساس ترس و ناامنی می‌کنی و می‌ترسی در حل سؤالات کنکور، زمان کم بیاوری و هزار «حس می‌کنی» دیگر که خودت بهتر از ما می‌دانی.

دنیا چیز، کسی یا جایی می‌گردد که کمکات کند تا آماده شوی؛ آماده‌تر از قبل و صد البته آماده‌تر از دیگران. می‌خواهیم کمکت کنیم، برای ۸ آزمون در نظر گرفته‌ایم که سؤالاتش سطح دشوارتری نسبت به آنچه تاکنون دیده‌ای دارند حتی در برخی موارد سخت‌تر از کنکور، آزمون‌هایی با سؤالات سنجیده و نکته‌دار، ویژه آن‌ها که می‌خواهند در کنکور «قرباب معنایی» زنگ تفریحشان باشد.

تعداد سؤالات را مشابه کنکور سراسری در نظر گرفته‌ایم، یعنی ۹ سؤال در هر آزمون. وقت پیشنهادی‌مان در هر آزمون برای دانش‌آموزان قوی ۷ دقیقه، دانش‌آموزان متوسط ۹ دقیقه و دانش‌آموزانی که کم‌تر روی مهارت‌های خواندن تمرین کرده‌اند و تسلط کم‌تری روی مفاهیم سال دهم دارند، ۱۲ دقیقه است.

آزمون‌ها را در زمان‌های پیشنهادی حل کن و اگر در آزمون‌های اول زمان کم آوردی ناامید نشو، فقط تلاشت را بیشتر کن تا توانایی‌ات را در آزمون‌های بعدی بالا ببری؛ چه از نظر مهارت در انتخاب گزینه درست و چه در سرعت عمل‌ات.

و در آخر هم مثل همیشه این موضوع را فراموش نکن که حتماً بعد از هر آزمون پاسخنامه تشریحی را خوب بخوانی و تک تک گزینه‌ها را برای خودت تحلیل کنی. یادت باشد بدون استدلال هیچ چیزی را قبول نکن.

در ضمن اگر می‌خواهی به صورت هم‌زمان مفاهیم کتاب درسی را مرور کنی این را بدان که شماره هر آزمون با محتوای فصل‌های کتابت مطابقت دارند، به طور مثال آزمون ۱ از مفاهیم مطرح شده در فصل اول فارسی سال دهم طرح شده.

آزمون شماره ۱

فصل ۱ دهم

دشوار

۹ دقیقه

۹ سؤال

۱۵۵۸- مفهوم عبارت «تا توانی از نیکی کردن میاسا و خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی، به خلاف نموده مباش.» از کدام بیت

دریافت نمی‌شود؟

۱) که شد سیاه رخ کاغذ از دورویی‌ها
اگرچه راهزن بر ره بود گمراه می‌باشد
چه آسایش در آن کشور که ده فرمانروا دارد؟
ظاهر و باطن او عنبر و گوهر باشد

۱) چو فرد آینه با کاینات یک رو باش
۲) ندارد ظاهر اسلام سودی زرق‌کیشان را
۳) ندیدم یک نفس راحت ز حسن ظاهر و باطن
۴) باطن و ظاهر خود هر که کند صاف چو بحر

۱۵۵۹- مفهوم بیت «به نام کردگار هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک» با همه ابیات، به جز بیت متناسب است.

۱) جان رها کن آفرینش خاک او
مقصود چهل صبح تخمیر
روان و خرد بخشد و هوش و دل
خود بر زبان لطف برانندی ثنای خاک

۱) جان پاکان خاک جان پاک او
۲) ای مقصد کارگاه تقدیر
۳) بدیعی که شخص آفریند ز گل
۴) خاک چهل صبح سرشتی به دست صنع

۱۵۶۰- کدام گزینه با عبارت «تا از عیب و گناه خود پاک نگردم، عیب مردم نگویم.» تناسب معنایی بیشتری دارد؟

۱) ز جوهر است در ابروی تیغ چین غضب
به عیب مردم اگر دیده پرده‌پوش آید
از نظر بستن به عیب خویشتن بینا شدم
عیب خود می‌پوشد از چشم خلیق عیب‌پوش

۱) هنر به اهل حسد می‌دهد نتیجه عیب
۲) ز عیب او دگران نیز چشم می‌پوشند
۳) کور بودم تا نظر بر عیب مردم داشتم
۴) پرده مردم دریدن پرده عیب خود است

۱۵۶۱- کدام گزینه با بیت «پیش دیوار آن چه گویی هوش دار / تا نباشد در پس دیوار گوش» تناسب معنایی کمتری دارد؟

۱) گهر نشکنی تیشه آهسته دار
که پنداری که دشمن تر کسی اوست
هر چه گویی باز گوید آشکار
ای عقل بام بررو ای دل بگیر در را

۱) سخن تا نپرسند لب بسته دار
۲) چنان گو راز خود با بهترین دوست
۳) کوه با آن جمله سختی و وقار
۴) دیوار گوش دارد آهسته تر سخن‌گو

۱۵۶۲- مضمون کدام رباعی، با بیت «چو در وقت بهار آبی پدیدار / حقیقت، پرده برداری ز رخسار» یکسان است؟

هر شب‌نمی از یاد تو چشمی پرآب
هر غنچه کتاب‌خانه‌ای پر ز کتاب
آویخت صبا چو رهنزان بردارش
تا بوکه صبا به جان دهد زنهارش
تا این دو یکی نشد نیامد گل و خار
بر چشم خلاف بین بخند ای گلزار
جان جمله حدیث لاله‌زار تو کند
تا خدمت لعل آب‌دار تو کند

۱) هر دژه ز مهر توست جانی بی‌تاب
هر برگ گلی است یک کتاب از سخت
۲) چون رنگ بدزدید گل از رخسارش
بسیار بگفت بلبل و سود نداشت
۳) من رنگ خزان دارم و تو رنگ بهار
این خار و گل ارچه شد مخالف دیدار
۴) دل جمله حکایت از بهار تو کند
مستی ز دو چشم پرخمار تو کند

۱۵۶۳- کدام گزینه با بیت «بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد» متناسب است؟

افتادگی برون نرود از سرشست ما
سرکشی و بی‌نیازی از گدا زیبنده است
آسوده بود هرکه به بالا ننشیند
زلف از فتادگی به کمر دست یافته است

۱) چون آفتاب اگر سر ما بگذرد ز چرخ
۲) از کریمان هر قدر لطف و تواضع خوش‌نماست
۳) بر صدر بود چشم تواضع‌طلبان را
۴) افتادگی چرا نکند کس شعاع خویش؟

۱۵۶۴- کدام گزینه با عبارت «به وقت نومیادی امیدوارتر باش و نومیادی را در امید، بسته دان و امید را در نومیادی.» متناسب نیست؟

هر چند که مکتوب مرا جنگ جواب است
ورنه زیاد بود تمّت‌ای او مرا
امید من ز سر راه انتظار نرفت
ز آفتاب خورد رزق اگر چه در سنگ است

۱) امید من از نامه نوشتن نکشد دست
۲) اقبال عشق ساخت به وصلم امیدوار
۳) اگر چه کرد قیامت نسیم نومیادی
۴) مشو ز سختی ایام ناامید که لعل

۱۵۶۵- کدام گزینه با بیت «شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم / زود آید و زود می‌گذرد» تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

ماتم و سور جهان زود ز هم می‌گذرد
چون صبح در خوشی به سر آوردمی که هست
بیار باد، که عالم به یک قرار نماند
غمی بر باد ده چون غنچه تا ممت زری داری

۱) روزگار طرب و نوبت غم می‌گذرد
۲) بر مهلت زمانه دون اعتماد نیست
۳) جهان و هرچه در او هست پایدار نماند
۴) چه از بیم خزان ای تنگ‌دل بر خویش می‌پیچی؟

۱۵۶۶- ابیات کدام گزینه به مفهوم یکسانی اشاره دارند؟

زود می‌پاشد ز یکدیگر کتاب عاشقان
چون صلح می‌کنند مهتای جنگ باش
شبم افتاده را از عالم بالا می‌پرس
رتبه بینایی هر کس به قدر حیرت است
که خون شیشه را نوشید جام آهسته آهسته
که سر را پاس می‌دارد به زیر پا نظر کردن
خویش را چون قطره در دریای غفران افکند
برای توشه فردای خود زراعت کن

۱) اعتمادی نیست بر جمعیت برگ خزان
بر صلح و جنگ اهل جهان اعتماد نیست
۲) عاشقان دورگرد آینه‌دار حیرت‌اند
حیرت شبم در این گلزار عین حکمت است
۳) مشو از زبردست خویش ایمن در زبردستی
مشو غافل ز حال زبردستان در زبردستی
۴) هر که این‌جا جمع سازد خویش را، فردای حشر
ز اشک و چهره تو را داده‌اند آب و زمین

آزمون شماره ۲

فصل ۲ دهم

دشوار

۹ دقیقه

۹ سؤال

۱۵۶۷- کدام بیت با «تابوت مرا جای بلندی بگذارد / تا باد بزد سوی وطن، بوی تنم را» متناسب است؟

لسب حرف‌آفرینی در خور آن انجمن دارم
به تخت مصرم اما جای در بیت‌الحزن دارم
عقیق نامدارم حق شهرت بر وطن دارم
دل غربت‌پرستم، جنگ با حسب‌الوطن دارم

۱) مرا چون حلقه در بیرون در تا چند بگذاری؟
۲) نشاط غربت از دل کی برد حب وطن بیرون؟
۳) نه خارم کز وجود من گلستان ننگ بار آرد
۴) عقیق خاتم شاهم، یمن زندان بود بر من

۱۵۶۸- ابیات کدام گزینه مفهوم مشترک دارند؟

ما خس و خاریم، اما کم به ساحل می‌رویم
وز نیک و بد عالم دل‌گیر گذشته
جهان به دیده پوشیده می‌توان دیدن
هیچ کس ننهاد غیر از داغ، دستی بر دلم
از تیش آسوده است، باز نظر دوخته
(۲) ب - ج - ه (۳) الف - ب - د

الف) نیست خاشاک وجود ما جدا از سیل غم
ب) دل از غم بیش و کم تقدیر گذشته
ج) غبار کلفت (= سختی) او چشم را زیان دارد
د) لاله‌وارم، دل ز غم صد چاک شد در بی‌کسی
ه) مایه آرام دل، چشم هوس بستن است
(۱) ب - د - ه (۲) الف - ج - د

۱۵۶۹- کدام گزینه با مفهوم آیه شریفه ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ متناسب است؟

که خون شبنم از آفتاب می‌جوید؟
تلخی مرگ از حیات جاودانی می‌کشم
گر شهیدی در ره او از سر جان بگذرد
ما آبرو به چشمه حیوان نمی‌دهیم

(۱) که با تو حرف شهیدان عشق می‌گوید
(۲) زندگی بی دوستان چون خضر، بار خاطر است
(۳) سر بر آرد از گریبان حیات جاودان
(۴) بی آبرو حیات ابد زهر قاتل است

۱۵۷۰- کدام گزینه با بیت «یارب این آتش که در جان من است / سرد کن زان سان که کردی بر خلیل» متناسب است؟

در گلستان مگرد و در آتش قرار گیر
آتش سوزنده را بر خود گلستان می‌کند
تا مراد عاشق بیچاره را حاصل کنند
فضلت مگر نهد به سر زخم مرهمی

(۱) گر چون خلیل سوخته‌ای از غم خلیل
(۲) هر که زد بر آتش خشم آب، مانند خلیل
(۳) یارب، این سنگین‌دلان را شیوه رحمی بده
(۴) دل در گذار و مانده‌ام از خان و مان خویش

۱۵۷۱- مفاهیم «احترام به حقوق دیگران - طلب عنایت - خدمت به هم‌نوع - مناعت طبع - پرهیز از تزویر» به ترتیب از کدام گزینه دریافت می‌شود؟

به کس راحت‌رسان بی‌عوض، چون بادزن باشی
گرد نفاق دل‌ها بر چهره‌ها نشسته
کسی را قدر مشکن گر نخواهی کم‌بها گردی
که از سراب جز آب بقا نمی‌خواهم
نسیمی از سر زلف نگار می‌خواهم
(۳) ج - الف - ه - د - ب (۴) ج - ه - الف - د - ب

الف) به خلق احسان کن و چشم از تلاقی بپوش، می‌باید
ب) اهل جهان، نهانشان یک رنگ آشکار است
ج) خدنگ طعنه دائم سوی تیرانداز برگردد
د) چنان به راه طلب هم‌تیم بلند بود
ه) غبار اخگر دل را به آب نتوان برد
(۱) ب - ه - ج - د - الف (۲) ب - ه - د - ج - الف

۱۵۷۲- مضمون کدام بیت متفاوت است؟

ورنه عشرتکده خرس شود لانه ما
در عوض زهر بلا ریخت به پیمان ما
تا در این ره چه کند هم‌ت مردانه ما
نشود خانه بیگانه شرف‌خانه ما

(۱) قد علم کن به سرافرازی و مردی چون شیر
(۲) دوست خون دل ما خورد به جای می‌ناب
(۳) در ره عشق وطن از سر و جان خاسته‌ایم
(۴) شرف خانه خود گر تو و من حفظ کنیم

۱۵۷۳- کدام گزینه با عبارت «از این که توانسته بودم با رنج چهارساله اسارت، یک پر کرکس را بکنم، خوشحالم.» متناسب است؟

لاجرم بر کرکسان اکنون همایی یافتیم
ورنه خرج کرکسان خواهی شدن مرداروار
خاری به راه تازه رقیبان درافکنیم
خندید بخت سبز به روی کبود ما

(۱) چون همایان جیفه (=مردار) پیش کرکسان انداختیم
(۲) زنده کن دل را به نور عشق، بر افلاک رو
(۳) گر نیست کیسه زر و شمشیر آبدار
(۴) «صائب» غنیمت است که در سنگلاخ دهر

۱۵۷۴- کدام گزینه با آیه شریفه ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ متناسب دارد؟

به انگشت شهادت می‌رسد زخم ندامت‌ها
که در ضمیر بر اندیشه تنگ شد معبر
جز به ذکرش آتش دل‌ها نمی‌گیرد قرار
غذای روح کنیم ای غم تو قوت قلوب

(۱) بلا بر اهل ایمان می‌شود نازل کز انگشتان
(۲) قلوب خلق ز مهتر چنان لبالب گشت
(۳) در میان تنگنای حادثات روزگار
(۴) گرم به دست فتد اندهت به صد شادیش

۱۵۷۵- ابیات کدام گزینه با عبارت زیر متناسب نیست؟

«بعضی دیگر از بچه‌ها گوشه خلوتی یافته‌اند و گذشته خویش را با وسواس یک قاضی می‌کاوند و سراپای زندگی خویش را محاسبه می‌کنند و وصیت‌نامه می‌نویسند.»

آه سردم گر گذاری بر صف محشر کند
در نظر خود حساب، روز حساب است
این جاکسی که درد و غم بی شماره یافت
که هر کس خود حساب افتاد از دیوان نیندیشد
دامن به دست پرسش محشر نداده‌اند
(۳) ب - د (۴) ج - ه

الف) نامه اعمال چون برگ خزان ریزد به خاک
ب) نسیمه مکن نقد خود که هر گل صبحی
ج) آسوده از حساب به روز شمار شد
د) خیانت بر تو دارد تلخ یاد روز محشر را
ه) دم را شمرده ساز که مردان خود حساب
(۱) الف - ج (۲) الف - د

آزمون شماره ۳

فصل ۳ دهم

دشوار

۹ دقیقه

۹ سؤال

۱۵۷۶- ابیات کدام گزینه با عبارت زیر متناسب‌تر هستند؟

«پادشاه عالم، خبر که داد در این قصه، از حُسن سیرت او داد، نه از حُسن صورت او داد، تا اگر نتوانی که صورت خود را چون صورت او گردانی؛ باری، بتوانی که سیرت خود را چون سیرت او گردانی.»

- (الف) سیرت نکند جلوه در آیینۀ فولاد
(ب) معنی شود ز نازکی لفظ، دل‌پذیر
(ج) ما به حسن معنی از صورت قناعت کرده‌ایم
(د) کدام ظاهر و باطن موافق است به هم؟
(ه) با وجود حسن معنی، خواهش صورت خطاست
- (۱) الف - ه (۲) ب - د (۳) ج - ه (۴) ج - ه

۱۵۷۷- مضمون کدام گزینه با آیه شریفه ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ متناسب‌تر است؟

- (۱) زمین سست، سیلاب عمارت می‌شود «صائب»
(۲) به گرد اهل توکل کجا رسی زاهد؟
(۳) فرش ما افتادگی، اسباب ما آزادگی
(۴) خانه بر دوشان که دارند از توکل پشتبان

۱۵۷۸- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) عاشق که حرف عشق به اغیار می‌زند
(۲) ما زبان اندرکشیدیم از حدیث خلق و روی
(۳) یکی است محرم و بیگانه پیش غیرت من
(۴) هر نگاهی محرم رنگ لطیف عشق نیست

۱۵۷۹- مضمون کدام گزینه با بیت «صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی / ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد» تناسب کم‌تری دارد؟

- (۱) بوی دل از نفس باد صبا می‌آید
(۲) چون صبا نکهت آن زلف پریشان آرد
(۳) ای صبا در حرم زلف چو محرم شده‌ای
(۴) خبر ز چین سر زلف مشک‌بوی تو داد

۱۵۸۰- کدام گزینه با بیت «خدمت حق کن به هر مقام که باشی / خدمت مخلوق افتخار ندارد» تناسب کم‌تری دارد؟

- (۱) تا بوی زنده شکر او می‌گوی
(۲) رزق رازق ببیند از مخدوم
(۳) از پی جاه و خدمت یزدان
(۴) خدمت خلق بباد باشد باد

۱۵۸۱- مفهوم کدام گزینه با بیت «گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید/ چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها» یکسان است؟

- (۱) احرام طوف دامن پاک تو بسته است
(۲) گرد آن کعبه مغرور که صد قافله دل
(۳) ما پرده‌ها ز آبله پای خود ز شوق
(۴) بی‌برگ نترسد ز شبیخون حوادث

۱۵۸۲- کدام گزینه با عبارت «الصبر مفتاح الفرج» تناسب بیشتری دارد؟

- (۱) با نگاه خشک قانع زان بهشتی‌رو شدن
(۲) سینۀ خویش به روشنگر غربت برسان
(۳) تلخی ایم را بر خود گوارا کن به صبر
(۴) هر که را باشد عقیق صبر در زیر زبان

۱۵۸۳- کدام گزینه به مضمون بیت «تعلیم ز آزه گیر در امر معاش / نیمی سوی خود می‌کش و نیمی می‌پاش» اشاره دارد؟

- (۱) به غیر از سنگ، دندان طمع را نیست درمانی
(۲) رزق اگر دارد کلیدی در کف دست دعاست
(۳) رزق می‌آید به پای خویش تا دندان به جاست
(۴) مشو در روزگار دولت از افتادگان غافل

زنهار در آیینۀ زانو نظری کن
در شیشه است جلوۀ دیگر شراب را
بوشناسان را قماش پیرهن منظور نیست
دلش ز سنگ بود گر سپهر مینایی است
پیش لیلی دامن محمل نمی‌باید گرفت

منه بر کاهلی زنهار بنیاد توکل را
تو را که صد گره از استخاره در پیش است
خانه ما را نگهبان گر نباشد گو می‌باش
هر دو عالم گر شود زیر و زبر در مأم‌اند

آبی به روی صورت دیوار می‌زند
گر حدیثی هست با یار است و با اغیار نیست
تو را نهفته ز خود در کنار می‌خواهم!
پرده‌ای از اشک بر رخسار می‌باید کشید

می‌توان یافت کز آن زلف دوتا می‌آید
دل پردرد مرا مژده درمان آرد
به ادب باش که دل‌های پریشان آن جاست
صبا چو از دل گم‌گشته‌ام نشان آورد

به در آفریده هیچ مپوی
اینست ندادان و از خرد محروم
دار پاکیزه جای و جامه و جان
کس گرفتار بباد خلق مباد

خون مرا به خار مغیلان روا مدار
خون‌بهای سر خاری ز مغیلتش نیست
بر روی خارهای مغیلان کشیده‌ایم
لرز دل برگ از نفس سرد خزان بیش

صبر بر لب تشنگی با آب کوثر کردن است
تا به کی صبر کنی در ته زنگار وطن؟
تا ز می‌پر می‌توان کرد این قدح پر خون مکن
جام تبخالش پر از آب بقا خواهد شدن

که گردد آزه از چوب ملایم تیز دندان‌تر
بی سبب ما زور بر پای طلب می‌آوریم
آسیا تا هست در اندیشه نان نیستیم
به پیش پا نظر کن تا چراغست روشنی دارد

۱۵۸۴- کدام گزینه به مفهوم مقابل عبارت «در مقابله جفا، وفا کرد و در مقابله زشتی، آشتی کرد.» اشاره دارد؟

۱) احتیاجی نیست میزان قیامت را به سنگ می دهد پهلو درخت میوه‌دار ما به سنگ از دم عقرب گره نتوان گشود الا به سنگ نیست ممکن کشتی آید در دل دریا به سنگ

۱) بیش و کم را با نظر سنجند روشن‌گوه‌ران
۲) حرف سخت از بردباری بر دل ما بار نیست
۳) نیست جز دندان شکستن چاره‌ای کج‌بحث را
۴) بر دل پرخون ندارد سختی ایام دست

آزمون شماره ۴

فصل ۴ دهم

دشوار

۹ دقیقه

۹ سؤال

۱۵۸۵- در کدام گزینه به مضمون عبارت «شَرَفُ الْمَكَانِ يَلْمِكُنِ» اشاره شده است؟

با فضل یار کرد و مکین شد بدین چهار می آب حیوان است و همان در مشرق مینا مکین از ملک او زمین شرف از اوج آسمان در هر نظر به چشم طرب روی لهو بین

۱) نفس شریف و اصل بزرگ و دل قوی
۲) گر آب حیوان در جهان مغرب زمینش شد مکان
۳) سلطان ابوالملوک ملک ارسلان که یافت
۴) بر هر مکان به پای شرف سوی تخت شو

۱۵۸۶- کدام گزینه با قطعه شعر «چندان تناوری و بلند/ که به هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می‌افتد» متناسب‌تر است؟

زبان شعله ادراک را ادراک می‌داند اسرار کوه قاف به عنقا سپرده‌اند نگنجد در نظر حسنی که بی‌اندازه می‌افتد پرده ناموس چون سازد نهان دیوانه را؟

۱) ز اسرار حقیقت زاهد کودن چه دریابد؟
۲) این لقمه بزرگ نگنجد به هر دهان
۳) محیطی را حبیبی چون تواند در گره بستن؟
۴) شوکت دریا نگنجد زیر دامان حباب

۱۵۸۷- کدام گزینه با بیت «بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد / حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی» تناسب بیشتری دارد؟

شمع در انجمن انگشت‌گزان می‌باشد که بی‌حاصل بود ابری که بی‌هنگام می‌بارد نیست ممکن هم‌چو من بی‌حاصلی پیدا شود کرد گوهر روی این دریای بی‌حاصل سفید

۱) بی‌ندامت نبود صحبت بی‌حاصل خلق
۲) پس از کشتن چه حاصل گریه‌کردن بر سر خاکم؟
۳) گر کند غربال صد ره دور گردون خاک را
۴) شد ز لخت دل یکی صد آبروی چشم ما

۱۵۸۸- کدام بیت با مضمون نهایی عبارت زیر تناسب کمتری دارد؟

«شهر را از عدل، دیوار کن و راه‌ها از ظلم و خوف پاک‌کن، که حاجت نیست به گل و خشت و سنگ و گچ.»

عدل و دادش حصار تن باشد که این باشد نشان پادشاهی بهتر ز نام نیک، بضاعت مسافران ز سهم آتش این سینه‌های تیرانداز

۱) مـرد را ظلم بیخ کن باشد
۲) بکن عدل و کرم گر ملک خواهی
۳) عدل اختیار کن که به عالم نبرده‌اند
۴) برای خود سپری راست کن ز عدل و بترس

۱۵۸۹- کدام گزینه با بیت «همه شب در این آمیدم که نسیم صبحگاهی / به پیام آشنایی بنوازد آشنا را» تناسب ندارد؟

بیر اندوه دل و مزده دلدار بیار ای گل، که هم‌چو باد صبا می‌روی، مرو بیار نفعه‌ای از گیسوی معبر دوست بوکه بویی بشنویم از خاک بستان شما

۱) ای صبا نکه‌تی از خاک ره یار بیار
۲) بر عزم گشت خرم و خندان شدی سوار
۳) صبا اگر گذری افتد به کشور دوست
۴) با صبا همراه بفرست از رخت گل‌دسته‌ای

۱۵۹۰- کدام گزینه با آیه شریفه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» متناسب است؟

پیش از اجل روند ز خست فرو به خاک چراغ ما ز دامان کفن مردن نمی‌دانند که از کف وقت طوفان بیشتی دریا کفن پوشد جام پر زهر اجل چون عاقبت نوشیدنی است

۱) جمعی که پیش خلق گذارند رو به خاک
۲) دل بیدار را خواب اجل بیدارتر سازد
۳) بود زهر اجل، خشم و غضب پاکیزه‌گوهر را
۴) پیش‌دستی کن، از این تشویش خود را وارهان

۱۵۹۱- کدام گزینه با بیت «ای مُفْتَخِرْ به طالع مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد» متناسب‌تر است؟

وی به شادی مشتغل، انده‌گنان را غم بخور جان‌ها بر آتش منتظر، تا نوبت آن کی رسد؟ در دست دیو یک دو سه روزی نگین بود آه از آن روزی که حرص از دستگاهی بگذرد

۱) ای به دولت مفتخر، محنت‌کشان را دست گیر
۲) ای دل به داغ مفتخر، درد تو را درمان مضر
۳) چون برق و باد دولت دنیا سبک‌رو است
۴) شمع محفل داغ می‌گردد کز آهی بگذرد

۱۵۹۲- کدام گزینه با بیت «به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من / چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا؟» متناسب بیشتری دارد؟

علاج خصم زبردست جز مدارا نیست به که با مردم بی‌شرم مدارا نکنی هرکه با دشمن خون‌خوار مدارا نکند نیست لایق بحر را سرینجه با مرجان زدن

۱) سپر فکند فلک پیش آه من صائب
۲) خانه در چشم تو سازد چو مگس رو یابد
۳) سعی در خون خود از خصم فزون‌تر دارد
۴) از زبردستان مدارا با ضعیفان خوش‌نماست

۱۵۹۳- کدام گزینه با بیت «بر در بخت بد فرود آید / هر که گیرد عنان مرکبش، آرزو تناسب بیشتری دارد؟

- ۱) از حریرسان تشنه چشمی حرص را افزون شود
- ۲) می‌تند در خانه‌های کهنه اکثر عنکبوت
- ۳) حرص دائمی پرورد سررشته ادبیار را
- ۴) گردد از چین جبین حرص طمع‌کاران زیاد

آزمون شماره ۵

فصل ۵ دهم

دشوار

۹ دقیقه

۹ سؤال

۱۵۹۴- ابیات کدام گزینه با عبارت زیر تناسب معنایی ندارد؟

- «به شدتی که از روزگار پیش آید، نباید نالید و از فضل و رحمت کردگار - جَلَّ جَلَّاهُ و عَمَّ نَوَالُهُ - ناامید نباید شد که او، تعالی، رحیم است.»
- الف) این همه تکیه‌ها غم و هوس است
 - ب) تا به درد ناامیدی مانده‌ام دانسته‌ام
 - ج) چو دونان تکیه بر اسباب تا چند؟
 - د) در بلا یاری مخواه از هیچ کس
 - ه) به ناخدای توگل سپرده‌ام خود را
 - و) یک ذره اعتماد نشاید به جاه کرد
- ۱) الف - د ۲) ب - و ۳) ج - ه ۴) ب - ه

۱۵۹۵- همه گزینه‌ها با عبارت «نمی‌دانم خودش می‌دانست یا نه که اگر به شهر نیامده بود، نیما نشده بود.» هم مفهوم‌اند، به جز

- ۱) تا برآمد از وطن یوسف عزیز مصر شد
- ۲) میزان غربت از زر و گوهر لبالب است
- ۳) غربت نمی‌کشی ز وطن هر کجا روی
- ۴) تا دل پر خون نتواند شد ز غربت نامدار

۱۵۹۶- همه ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارند، به جز

- «دوران روزگار به ما بگذرد بسی
- ۱) تاج سلطانی که ترک اولش ترک سر است
 - ۲) چون مسیحا گر بود بر آفتاب تکیه‌گاه
 - ۳) بر امید آب حیوان از چه باید کند جان؟
 - ۴) گرچه عالم بود در فرمان سنجر آن زمان

۱۵۹۷- مضمون کدام بیت‌ها یکسان است؟

- الف) ثناگوی تو باشد هر گیاهی
 - ب) مگر تو خود به خموشی ثنای خود گویی
 - ج) یک‌به‌یک از شاخ‌ها را بر درختان جابه‌جا
 - د) همه ثنای تو گویند هر زمان کامروز
 - ه) از ثری تابه ثریابه عبودیت او
- ۱) الف - ج ۲) الف - ه ۳) ج - ه ۴) ب - د

۱۵۹۸- کدام گزینه با عبارت «سراپاش از درماندگی‌اش خبر می‌داد.» متناسب نیست؟

- ۱) نام‌های نیست که عنوان نشود غم‌آزش
- ۲) شب‌نمی را نتوانست نهان کردن گل
- ۳) می‌نماید گل خورشید نهان در بن ابر
- ۴) خبر از وحشت نخجیر دهد جنبش دام

۱۵۹۹- مفهوم کدام گزینه با عبارت زیر تناسب دارد؟

«چون بخواستیم رفت، ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد؛ چنان‌که در کرامت و فراغ به پارس رسیدیم. از برکات آن آزادمرد، که خدای، عَزَّ و جَلَّ از آزادمردان خشنود باد.»

- ۱) ز تردستی زمین‌ها را کند گنجینه گوهر
 - ۲) اگر خرمن ندارد مزرع ما خوشه‌چین دارد
 - ۳) خوشه‌چین خرمن گل چون هوسناکان نه‌ایم
 - ۴) حصار خرمن خود ساز دست خوشه‌چینان را
- چو ابر آن کس که باشد خوشه‌چین خرمن دریا
اگر باران به کشت ما نیارد مور می‌بارد
مشت خاشاکی برای آشیان ما را بس است
که این‌جا جامه فتح شکر، بال مگس باشد

۱۶۰۰- مضمون کدام بیت متفاوت است؟

۱) اکنون چنان شدم که ندانم دوای خویش
 خاکساری گرگرفتم صورت دنیا شدم
 که رفت موسم اقبال و روزگار نشاط
 بین کجا بودم از این پیش و کجا افتادم

۱) وقتی علاج مردم بیمار کردمی
 الفت فقرم خجل دارد ز کسب اعتبار
 ۲) سزد که حال دل خویش بر تو عرضه کنم
 ۳) از نهان‌خانه وصل تو جدا افتادم
 ۴) کدام گزینه به مفهوم مقابل عبارت زیر اشاره دارد؟

۱۶۰۱- «اما من می‌دیدم که خود پیرمرد در این سفرهای هر ساله به جست‌وجوی تسلی می‌رفت؛ برای غم غربتی که در شهر به آن دچار می‌شد.»

۱) از دل نبرد شوق وطن عزت غربت
 ۲) می‌برد یاد وطن را عزت غربت ز دل
 ۳) رنج غربت نکشد هر که در این فصل بهار
 ۴) ز هم‌رهان موافق جدا مشو در راه

۱) هر کس که هوای نفس شد پیشه او
 مگذار که این خار بلا پهن شود
 ۲) در کارگه کوزه‌گری کردم رای
 می‌کرد دلیر، کوزه را دسته و سر
 ۳) تا چند حدیث پنج و چار ای ساقی؟
 ۴) ز آن کوزه می که نیست در وی ضرری
 ز آن پیش‌تر ای صنم که در ره‌گذری

۱۶۰۲- کدام گزینه با عبارت «آن سر بزرگ داغ داغ بود؛ اما چشم‌ها را بسته بودند؛ کوره‌ای تازه خاموش شده.» متناسب نیست؟

۱) صد خار بلا روید از اندیشه او
 برکن ز زمین دل، رگ و ریشه او
 در پایه چرخ دیدم استاد به پای
 از کله پادشاه و از دست گدای
 مشکل چه یکی چه صد هزار ای ساقی
 بادیم همه باده بیار ای ساقی
 پرکن قدحی بخور به من ده دگری
 خاک من و تو کوزه کند کوزه‌گری

۱) هر کس که هوای نفس شد پیشه او
 مگذار که این خار بلا پهن شود
 ۲) در کارگه کوزه‌گری کردم رای
 می‌کرد دلیر، کوزه را دسته و سر
 ۳) تا چند حدیث پنج و چار ای ساقی؟
 ۴) ز آن کوزه می که نیست در وی ضرری
 ز آن پیش‌تر ای صنم که در ره‌گذری

آزمون شماره ۶

فصل ۶ دهم

دشوار

۹ دقیقه

۹ سؤال

۱۶۰۳- با توجه به داستان «رستم و اشکبوس» گوینده کدام بیت متفاوت است؟

۱) بدین روز و این گردش کارزار
 تن بی‌سرت را که خواهد گریست؟
 من اکنون پیاده کنم کارزار
 هم‌آوردت آمد، مشو باز جای

۱) پیاده به از چون تو پانصد سوار
 ۲) بدو گفت خندان که نام تو چیست؟
 ۳) تو قلب سپه را به آیین بدار
 ۴) خروشید کای مرد رزم‌آزمای

۱۶۰۴- مضمون کدام بیت متفاوت است؟

عیب هر کس را کنی پوشیده ستار خودی
 ماه کنعانی ولی غافل ز رخسار خودی
 در بهشت و دوزخ از گفتار و کردار خودی
 جانب هر کس نگه‌داری نگه‌دار خودی

۱) پرده‌پوشی پرده بر افعال خود پوشیدن است
 ۲) در دل توسست آنچه می‌جویی به صد شمع و چراغ
 ۳) تخم نار و نور با خود می‌بری زین خاکدان
 ۴) هر که را از پادداری پا به بخت خود زنی

۱۶۰۵- مضمون کدام بیت متفاوت است؟

ور نه این جامی که می‌بینی سر جم خورده است
 جمشید حسد می‌برد از جام جم او
 تن به دوزخ برد امسال آن که گردن بود پار
 جمشید تیز دور نماندی ز تخت خویش

۱) دور تا از توسست، می در ساغر عشرت فکن
 ۲) خسرو چو خورد می ز سفال سگ کویش
 ۳) سر به خاک آورد امروز آن که افسر بود دی
 ۴) ای حافظ از مراد میسر شدی مدام

۱۶۰۶- کدام گزینه با بیت «شما را چو باور به یزدان بود / هم او مر شما را نگهبان بود» متناسب دارد؟

۱) ابن جهان پوچ را از شیرمردان چاره نیست
 خانه ما را نگهبان گر نباشد گو مباح
 که دندان می‌گرد پیوسته انگشت شهادت را
 از حفظ حق ببین چه سپرها همی دهند

۱) صولت شیران نیستان را نگهبانی کند
 ۲) فرش ما افتادگی، اسباب ما آزادگی
 ۳) اگر از اهل ایمانی مهیا باش آفت را
 ۴) پنهان مکن چو بی‌جگران روی در سپر

۱۶۰۷- با توجه به روایت «رزم گرد آفرید و سهراب» مخاطب چند بیت سهراب است؟

رخ نامور، سوی توران گنی
چرا جنگ جویی، تو ای ماهروی؟
خورد گاو نادان، ز پهلوی خویش
نپاید بر این آشتی، جنگ جُست
ز چنگم رهایی نیابی مشور
سپاه تو گردد پُر از گفت‌وگوی
هم از آمدن هم ز دشت نبرد
(۳) پنج (۴) چهار

الف) تو را بهتر آید که فرمان گنی
ب) بدو گفت کز من رهایی مجوی
ج) نباشی بس ایمن به بازوی خویش
د) کنون لشکر و دژ به فرمان توست
ه) نیامد به دامم به سان تو گور
و) کنون من گشایم چنین روی و سوی
ز) چرا رنجبه گشتی، کنون بازگرد
(۱) هفت (۲) شش

۱۶۰۸- مضمون کدام گزینه متفاوت است؟

در حضر فکر سرانجام سفر باید کرد
پا چو از کار شد اندیشه پُر باید کرد
دام را پیش‌تر از دانه نظر باید کرد
کشتی فکر در این بحر خطر باید کرد

(۱) خویش را پیش‌تر از مرگ خبر باید کرد
(۲) نتوان راه عدم را به عصا طی کردن
(۳) سیر انجام در آینه آغاز خوش است
(۴) پیش‌تر زان که شود کشتی تن پا به رکاب

۱۶۰۹- کدام گزینه با ضرب‌المثل «خورد گاو نادان ز پهلوی خویش» تناسب بیشتری دارد؟

که نیاید به فسون پیچ و خم از مار برون
نادان کند حواله ز غفلت به آفتاب
توانگر از دل بی‌مدعای خویش‌تنم
دام راه هرکسی از تار آمال خود است

(۱) کجی از طینت نادان به نصیحت نبرد
(۲) از اشک بلبل است رگ تلخی گلاب
(۳) به بی‌نیازی من ناز می‌کند همت
(۴) نیست خصمی آدمی را غیر خود چون عنکبوت

۱۶۱۰- با توجه به روایت نبرد «رستم و اشکبوس» گوینده بیت زیر کیست؟

به ایرانیان، تنگ و بند آورید
(۳) طوس (۴) کاموس

«همه تیغ و گرز و کمنند آورید»
(۱) رهام (۲) اشکبوس

۱۶۱۱- کدام بیت اشتراک مضمونی کم‌تری با سایر ابیات دارد؟

باید این مسئله پرسید ز بیداری چند
وای بر ما سپس صحبت و دیداری چند
نه در آن لحظه که خالی شود انباری چند
بام بنشست و نگفتم به معماری چند

(۱) خفتگان با تو نگویند که دزد تو که بود
(۲) دیو را گر شناسیم ز دیدار نخست
(۳) دفع موشان کن از آن پیش که آذوقه برند
(۴) پایه بشکست و بدیدیم و نکردیم هراس

آزمون شماره ۷

فصل ۷ دهم	دشوار	۹ دقیقه	۹ سؤال
-----------	-------	---------	--------

۱۶۱۲- کدام گزینه با بیت «کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید/ قضا همی بزدش تا به سوی دانه و دام» متناسب است؟

برون ناید ز سوزن چون گره بر تار می‌افتد
افلاک را به دشمنی ما چه حاجت است؟
جنبش تیغ همان به که ز بازو بینی
تا به کی تکیه به سرینجه پُر زور کنی؟

(۱) مرادل بستگی در قید زندان فلک دارد
(۲) خصمی چو کج‌روی همه جا در رکاب اوست
(۳) جنگ با گردش افلاک ز کوتاه‌نظری است
(۴) رستم از سیلی تقدیر به خاک افتاده است

۱۶۱۳- کدام گزینه با بیت «با بدان کم نشین که صحبت بد / اگر چه پاکی، تو را پلید کند» متناسب بیشتری دارد؟

ظفر از تیغ محال است برآرد خم را
تا به هم پیوست، شد تیر و کمان از هم جدا
عیار عالم و جاهل ز هم‌نشین پیداست
از صحبت سیاه‌درونان کران طلب

(۱) کجی از بدگهران صحبت نیکان نبرد
(۲) در نگیرد صحبت پیر و جوان با یک‌دگر
(۳) به امتحان نبود اهل هوش را حاجت
(۴) ایمن ز طبع دزد شدن عین غفلت است

۱۶۱۴- کدام گزینه با بیت‌های زیر تناسب معنایی دارد؟

مرد بقال از ندامت آه کرد
کآفتاب نعمتم شد زیر میغ
چون زدم من بر سر آن خوش‌زبان
باران برآورد ز سیاهی سحاب را
آه افسوسی است هر سطر از کتاب زندگی
تیر چون از شست بیرون شد پشیمانی چه سود؟
از این چه سود که داری هزار چشمه نوش؟

«روزک چندی سخن کوتاه کرد
ریش برمی‌کند و می‌گفت ای دریغ!
دست من بشکسته بودی آن زمان
(۱) روی سیه به اشک ندامت شود سفید
(۲) جز پشیمانی ندارد حاصلی عمر دراز
(۳) رفت پنجه سال و حسرت می‌خوری اکنون، ولی
(۴) تو را که بهره ز نوش است نیش چون زنبور

۱۶۱۵- مضمون کدام بیت متفاوت است؟

این فیض ز تأثیر نسیم سحر اوست
گناه تخم چه باشد، زمین چو قابل نیست؟
بی‌سبب خود را به عیسی هم‌چو سوزن بسته‌ام
جوش دریا چه غم از خامی عبیر دارد؟

۱) بی‌عشق، دل از هر دو جهان سرد نگردد
۲) نکرد گریه ما در دل فلک تأثیر
۳) در دل آهن دم‌جان‌بخش را تأثیر نیست
۴) سخن سرد چه تأثیر کند در دل گرم؟

۱۶۱۶- کدام گزینه با مضمون عبارت «كُلُّ اِنَاءٍ يَتَرَشَّحُ بِمَا فِيهِ» متناسب است؟

که هر گرداب باشد مهر بر گنجینه دریا
که عبیر را نسازد پخته جوش سینه دریا
چو می‌افتم به فکر صحبت دیرینه دریا
که گردد صاف سیل از سینه بی‌کینه دریا

۱) به وصل گوهر شهوار آسان نیست پیوستن
۲) ندارد تربیت تأثیر در دل‌های ظلمانی
۳) تپیدن گوهرم را قطره سیماب می‌سازد
۴) میندیش از غبار معصیت با رحمت یزدان

۱۶۱۷- کدام گزینه با عبارت زیر متناسب است؟

«من از وی در غضب نمی‌شوم و او از من صاحب ادب می‌شود. من از سخن او جاهل نمی‌گردم و او از خلق و خوی من عاقل می‌گردد.»

ز احسان نمی‌شود سگ دیوانه آشنا
زینهار از دشمنان بردبار اندیشه کن
آن بۀ که خصم را به مدارا ادب کنی
می‌کنم هرچند با مردم مدارا بیشتر

۱) شد نفوس بدگهر ز مدارا گزنده‌تر
۲) زخم می‌باشد گران شمشیر لنگردار را
۳) انداخت پیش ابر سپر، تیغ آفتاب
۴) چون زمین نرم از من گرد برمی‌آورند

۱۶۱۸- مضمون کدام گزینه متفاوت است؟

هر دو را بر مکر پندارد اساس
این یکی ظالم آن دگر جاهل
از پی استیژه آید نه نیاز
بی محک هرگز ندانی ز اعتبار

۱) سحر را با معجزه کرده قیاس
۲) خشم شحنه است و آرزو عامل
۳) آن منافق با موافق در نماز
۴) زَرِّ قلب و زَرِّ نیکو در عیار

۱۶۱۹- کدام گزینه با عبارت «حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر وی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند.» تناسب بیشتری دارد؟

عافیت بر باد دادن را نباید آب داد
شیرین به خون چو تیشه فرهاد می‌کنیم
حسد در مردم نزدیک بیش از دور می‌باشد
چنان که آتش سوزنده می‌خورد خود را

۱) تاکی از وضع حسد خواهی مشویش زیستن
۲) محسود عالمیم، اگرچه دهان تلخ
۳) شکست از سنگ اخوان گوهر بی‌قیمت یوسف
۴) حسد به اهل حسد کار می‌کند صائب

۱۶۲۰- کدام گزینه با ضرب‌المثل «از کوزه همان برون تراود که در اوست» تقابل معنایی دارد؟

نشود بی‌خبری پرده‌در راز مرا
گرچه پنهانم به ظاهر لیک پنهان نیستم
گرچه چون آینه در ظاهر زمین ساده‌ام
آتش قافله ریگ روان پیدا نیست

۱) تراود ز لبم چون لب پیما نه سخن
۲) هم‌چو جان آثار من پیداست بر لوح وجود
۳) باطنم از جوهر ذاتی است پر نقش و نگار
۴) خودنمایی نبود شیوه ارباب طلب

آزمون شماره ۸

فصل ۸، دهم

دشوار

۹ دقیقه

۹ سؤال

۱۶۲۱- مضمون کدام بیت متفاوت است؟

به یک نظر همه را چون حباب می‌بینم
سازگاری نیست با ناسازگاران ساختن
خودپرستان جهان ما و منی ساخته‌ند
نمی‌آرد برون سی پاره مصحف را ز یکتایی

۱) نژادگوهر من از محیط یکتایی است
۲) رنگ یکتایی نگیرد رشته چون هم‌تاب نیست
۳) نقطه و دایره و قطره و دریاست یکی
۴) نمی‌گردد حجاب بحر وحدت موجۀ کثرت

۱۶۲۲- کدام گزینه با عبارت «همین که آفریده‌ای نگاهمان را به خویش معطوف کند، ما را از راه آفریدگار بازمی‌گرداند.» تناسب معنایی بیشتری دارد؟

کی غبار خط میان ما و او حایل شود؟
دنیا بهشت در نظر حق پرست ماست
کوتاه‌اندیشی که از لذات دنیا بشکفتد
یک قلم از خوبی خط غافل از مضمون شدند

۱) لفظ نتواند حجاب معنی روشن شدن
۲) باطل حجاب دیده حق‌بین نمی‌شود
۳) حرص نوش از نیش گردیده است چشمش را حجاب
۴) شوق عالم شد حجاب دیده حق‌بین خلق

۱۶۲۳- کدام گزینه با عبارت «سنگ بزرگی را که بر گور فاتح چین نهاده بودند، برداشتند؛ ولی تیمور ناگهان بر خود لرزید و روی بگردانید.» متناسب است؟

- ۱) بی وضع ملایم نتوان بست ره ظلم
- ۲) بازار ظلم گرم است از پهلوی ضعیفان
- ۳) به ترک ظلم، ظالم برنگردد از مزاج خود
- ۴) گواه عاقبت کار ظلم پیشه بس است

۱۶۲۴- مفهوم عبارت «برای من خواندن این که شن های ساحل نرم است، بس نیست؛ می خواهیم که پاهای برهنه ام آن را حس کنند؛ به چشم من هر شناختی که مبتنی بر احساس نباشد، بیهوده است.» از کدام بیت دریافت می شود؟

- ۱) جان پرور است قصه ارباب معرفت
- ۲) تا فضل و عقل بینی، بی معرفت نشینی
- ۳) آن روز که عشق با دلم بستیزد
- ۴) بشوی اوراق اگر هم درس مایی

۱۶۲۵- کدام گزینه با قطعه شعر «چشم ها را باید شست، جور دیگر باید دید» متناسب نیست؟

- ۱) اختلاف رنگ، گل را برنیارد ز اتحاد
- ۲) ما نفس بیهوده می سوزیم در آه و فغان
- ۳) نیست صدر و آستانی خانه آینه را
- ۴) ز اختلاف ظرف، گوناگون نماید رنگ می

۱۶۲۶- کدام گزینه با عبارت «اگر جان ما ارزشی داشته باشد، برای این است که سخت تر از برخی جان های دیگر سوخته است.» تناسب معنایی دارد؟

- ۱) نباشد سیری از رنگین عذاران پاک چشمان را
- ۲) گر از مجمر گذاری بند آهن بر سر اپایش
- ۳) تا نسوزد، عود در مجمر ندارد آدمی
- ۴) چه در تحصیل بوی خوش، نفس چون عود می سوزی؟

۱۶۲۷- کدام گزینه با بیت «غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور / پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را» متناسب است؟

- ۱) در غیبت خلق است اگر هست حضوری
- ۲) کاش از غیبت دهان خویش را می کرد پاک
- ۳) نمی شود ز نظر چشم شوخ او غایب
- ۴) ز شوخی می شود از دیده حیران من غایب

۱۶۲۸- کدام گزینه با عبارت زیر تناسب بیشتری دارد؟

«من می خواستم تو را بکشم، اما تو جانم را نجات دادی. اگر من زنده ماندم و تو مایل بودی، وفادارترین غلامت خواهم شد و به فرزندانم نیز چنین خواهم گفت.»

- ۱) گرچه با هر کس کنی نیکی، نمی بینی زبان
- ۲) همان با نفس نیکی می کنم، هر چند می دانم
- ۳) انتقام از دشمن عاجز به نیکی می کشم
- ۴) گوش مال آخر شود دست نوازش ساز را

۱۶۲۹- مضمون کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) تو از فشاندن تخم امید دست مدار
- ۲) خاکساران فیض بیش از آب رحمت می برند
- ۳) ناامید از آه سرد و ناله سوزان مباش
- ۴) گرد عصیان بحر رحمت را نمی آرد به جوش



گروه اسمی یک جایگاه دستوری است که گاه با یک واژه و گاه با چند واژه ساخته می‌شود.

اجزای گروه اسمی

در هر گروه اسمی یک هسته و یک یا چند وابسته وجود دارد. هسته، بخش اصلی و غیرقابل حذف گروه است، اما وجود «وابسته» اختیاری است.

راه‌های شناسایی هسته

۱- از روی معنی: هسته، مرکز گروه اسمی است و وجود وابسته‌ها بدون آن غیرممکن است. موضوع اصلی گروه، هسته است و معنی گروه به هسته بستگی دارد.

۲- از روی ظاهر: اگر هسته، وابسته پسین بگیرد، اولین واژه کسره‌دار گروه؛ و اگر وابسته پسین نداشته باشد، آخرین واژه گروه است.

نکته! همیشه اولین واژه کسره‌دار گروه، هسته است، اما در مورد برخی حروف اضافه (برای، بدون، از بهر، از برای، به جای و ...)، هم‌چنین صفت مبهم «همه»، فریب کسره‌های کاذب را نخوریم.

نکته! صفت پسین همیشه با کسره (بعد از کسره) خوانده می‌شود، مگر این‌که هسته (موصوف) «ی» نکره داشته باشد. «ی» نکره و در واقع صدای «ی» نمی‌گذارد هسته (موصوف) با کسره خوانده شود: کتاب مفید - کتابی مفید

وابسته‌ها

به وابسته‌هایی که پیش از هسته می‌آیند «وابسته پیشین» و به آن‌هایی که بعد از هسته می‌آیند «وابسته پسین» می‌گوییم:

وابسته‌های پیشین		
مثال	نمونه‌ها	وابسته پیشین
این درس، همین تصویر، چنین اشتباهی	این، آن، همین، همان، چنین، چنان	صفت اشاره
چه درسی؟ چند تصویر؟ کدام اشتباه؟	چه، چند، چندمین، کدام	صفت پرسشی
چه درسی! عجب تصویری! چه قدر اشتباه!	چه، عجب، چه قدر	صفت تعجبی
هیچ درسی، فلان تصویر، برخی اشتباهات	هر، همه، هیچ، دیگر، چند، تنها فلان، برخی، بعضی، پاره‌ای	صفت مبهم
یک درس، دو تصویر، هزار اشتباه	یک، دو، سه، ...، n	صفت شمارشی اصلی (عدد)
اولین درس، پنجمین تصویر، آخرین اشتباه	یکمین (نخستین، اولین)، دومین، ...، n ^{ام} مین (آخرین، واپسین)	صفت شمارشی ترتیبی نوع ۱ (مین دار)
بهترین درس، زیباترین تصویر، مهم‌ترین اشتباه	بهترین، زیباترین، مهم‌ترین	صفت عالی یا بهترین (ترین دار)
عموحسین	آقا، استاد، سردار، عمو	شاخص

شاخص

شاخص، عنوان و لقبی است که بلافاصله و بدون کسره پیش از هسته (یا پس از آن) می‌آید. شاخص معرف جنسیت، نسبت، رده و درجه، میزان تحصیلات، شغل و منصب و اعتبار و مانند این‌هاست. برخی از شاخص‌های رایج عبارتند از:

امام، امامزاده، آقا، سید، برادر، عمو، سرهنگ، سردار، سرکار، کدخدای، مهندس، دکتر، حاج، استاد، علامه و ...

نمونه: علامه امینی، عمو بیژن، برادر چمران، نادر شاه

نکته! شاخص‌ها کلماتی هستند که بی‌فاصله پیش از هسته می‌آیند. این کلمات در جای دیگر می‌توانند هسته گروه اسمی، مضاف‌الیه و یا ... قرار بگیرند؛ در این صورت، شاخص محسوب نمی‌شوند.

نمونه:

- استاد معین، فرهنگ فارسی را در شش جلد تدوین کرده است.:: شاخص

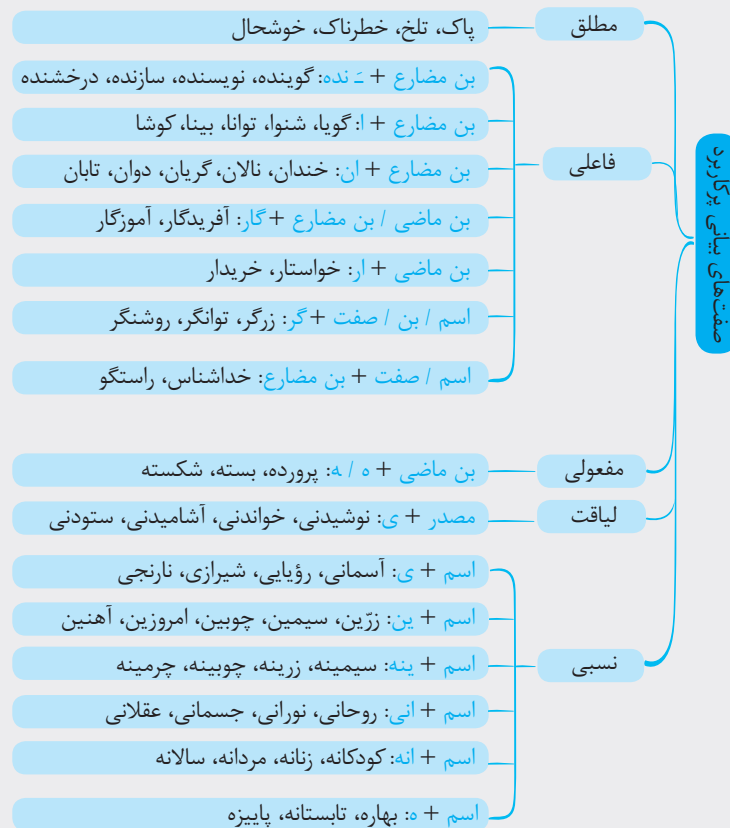
- ایشان استاد زبان و ادبیات فارسی هستند.:: هسته گروه اسمی

- کتاب استاد، در بردارنده مطالب مفیدی است.:: مضاف‌الیه

وابسته‌های پسین				
مثال	نمونه‌ها	وابسته پسین		
		نام	نوع	
دوست مریم، قصد رفتن، دلم	مریم، رفتن، م	مضاف‌الیه	اسم	
فصل اول، شام آخر	یکم (اول، نخست)، دوم، ...، n م (آخر)	شمارش ترتیبی نوع ۲ (م دار)	صفت	
نکته عجیب‌تر	عجیب‌تر	تفضیلی		
بار دیگر	دیگر	مبهم		
مرد خردمند	خردمند، زشت، سوزناک	مطلق		بیانی
آب روان	روا، روان، رونده	فاعلی		
خیمه سوخته	سوخته، گرفتار	مفعولی		
مقاله خواندنی	خواندنی، دیدنی، آشامیدنی	لیاقت		
دل نورانی	شیرازی، زرین، پشمینه، مردانه، نورانی، پاییزه	نسبی		

صفت‌های بیانی

صفت بیانی، برای توضیح و توصیف یک واژه به کار می‌رود. در نمودار زیر با انواع صفت‌های بیانی پرکاربرد و همین‌طور شیوه ساخت برخی از آن‌ها آشنا می‌شوی:



شناسایی هسته

اولین فرم توی بخش «گروه اسمی» اینه که «هسته» هر گروه رو بشناسی. پس یادت نره آله گروه، وابسته پسین داشت، اولین کلمه کسره‌دار گروه، هسته‌س و آله وابسته پسین نداشت، آفرین کلمه هسته‌س، یعنی همون که می‌تونه کسره بگیره. اگر م گروه فقط یه کلمه بود که، هسته، فودشه ریگه! حالا به ترتیب شروع کن به حل کردن سوالات!



۲۴۷۹- «هسته» گروه اسمی «همین سه کتاب تاریخ ایران» کدام است؟ (فنی ۸۱)

(۱) ایران (۲) تاریخ (۳) کتاب (۴) همین

۲۴۸۰- در کدام گروه اسمی «هسته» به درستی مشخص نشده است؟

(۱) پیوند دادن مطالب درسی (۲) همه موارد و پیوند مطالب (۳) بهترین شیوه پیوند مطالب (۴) کیفیت پیوند مطالب درسی

هواست به «همه» بود؟ وقتی قبل از اسم بیار، طراح همیشه «صفت پیشین» می‌گیرش، چه کسره داشته باشه، چه نداشته باشه!



۲۴۸۱- «هسته» کدام گروه اسمی به درستی مشخص شده است؟ (فنی ۸۷)

(۱) نخستین عنوان درسی (۲) کاربرد صفت بیانی (۳) زبان هر دو نوشته (۴) صمیمانه‌ترین نوع نوشتن

۲۴۸۲- «هسته گروه اسمی» روبه‌روی همه گروه‌ها درست است؛ به جز (ریاضی ۹۴)

(۱) تعیین ارزش دقیق معنایی عناصر زبان: ارزش (۲) مجموعه آثار ادبی گذشته این مرز و بوم: مجموعه (۳) رابطه هم‌نشینی هر واحد زبانی با واحد زبانی دیگر: رابطه (۴) کوچک‌ترین واحد زبانی با معنای مستقیم و غیرمستقیم: واحد

۲۴۸۳- کلمه‌های مشخص شده در همه عبارات، به جز عبارت «هسته» ی گروه خود محسوب می‌شوند. (ریاضی ۸۴)

- (۱) در امام‌زاده ده که اهالی «معصوم‌زاده» اش می‌نامند، برای سفیدکاری گچ به کار برده‌اند.
- (۲) مراتع اطراف ده پوشیده است از کما و گون که اولی خوراک زمستانی گاو و گوسفند آن‌هاست.
- (۳) بوته گون با همان یک جرقه می‌گیرد و تازگی‌ها از ساقه‌های همین گون کتیرا می‌گیرند.
- (۴) بهترین وسیله راه‌جویی برای چارپاداران است که در زمستان سفر می‌کنند.

۲۴۸۴- در جمله «هدف اساسی دانشمندان این علم، کشف حقیقت گردش زمین است.» کدام کلمات، «هسته» هستند؟

(۱) دانشمند - حقیقت (۲) هدف - کشف (۳) هدف - گردش (۴) دانشمند - گردش

۲۴۸۵- کدام کلمه در عبارت «رستم از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند تا بلکه کار اسفندیار با مسالمت خاتمه پذیرد.» هسته گروه اسمی نیست؟ (تجربی ۸۳)

(۱) کار (۲) رستم (۳) اسفندیار (۴) کوشش

شمارش وابسته‌های پیشین و پسین

از این‌ها به بعد باید «تعداد» وابسته‌های پسین و پیشین رو مشخص کنی. اول می‌ریم سراغ «وابسته‌های پسین». یادت که مونده؟ وابسته‌های پسین یعنی صفت و مشاف‌الیه. اول، جمله رو خوب بفون. بعد یکی‌یکی گروه‌ها رو از هم جدا کن. وقتی هسته هر گروه رو پیدا کردی، شروع کن به حساب کردن وابسته‌های پسین. در ضمن با «گروه فعلی» کاری نداشته باش! هواست رو جمع کن!



۲۴۸۶- در عبارت زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«جنبه شاعرانه اشعار تعلیمی در ادب فارسی بسیار قوی است. این اشعار در کشور ما بیشتر جنبه غنایی یافته است.»

(۱) ۵ (۲) ۶ (۳) ۷ (۴) ۸

۲۴۸۷- در عبارت زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«در اصطلاحات سینمایی، به تداخل تصویری در تصویر دیگر، چنان‌که تصویر اول به تدریج محو گردد و تصویر دوم واضح و نمایان تر شود «آنش» می‌گویند.»

(۱) ۳ (۲) ۴ (۳) ۵ (۴) ۶

۲۴۸۸- در عبارت زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«توصیفات تخیلی وصف‌هایی است که گوینده در آن واقعه‌ای را پس از گذشت سال‌ها به خاطر می‌آورد و در نوشته خود ترسیم می‌کند.»

(۱) ۱ (۲) ۲ (۳) ۳ (۴) ۴

۲۴۸۹- در متن زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«از دیگر شرایط حماسه جریان یافتن حوادثی است که با تجربه‌های علمی سازگاری ندارد و تنها از رهگذر عقاید دینی عصر خود توجیه‌پذیر است.»

(۱) ۵ (۲) ۶ (۳) ۷ (۴) ۸

۲۴۹۰- در عبارت زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«دید اجتماعی نیما که در سروده‌های نمادین و انتقادی او تجلی می‌یابد، در ادب نوین فارسی جایگاهی ویژه دارد.»

۶ (۱) ۷ (۲) ۸ (۳) ۹ (۴)

(فن ۸۸)

۲۴۹۱- در متن زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«خاطره‌نویسی عام‌ترین نوع نوشتن است. برای نوشتن خاطره هیچ محدودیتی وجود ندارد. خاطره‌نویسی سبب می‌شود که از دوران زندگی آثاری جان‌دار بر جای بماند. خاطرات تلخ و شیرین زندگی با نوشتن ثبت و ماندگار می‌شوند.»

۵ (۱) ۶ (۲) ۷ (۳) ۸ (۴)

۲۴۹۲- در عبارت زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«نگاه‌های لوکس مردم آسفالت‌نشین شهر، آن را کهکشان می‌بینند و دهاتی‌های کاهکش کویر، شاهراه علی، راه کعبه!»

۶ (۱) ۷ (۲) ۸ (۳) ۹ (۴)

۲۴۹۳- در عبارت زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«منظومه‌های حماسی را از چشم‌اندازی دیگر، به حماسه‌های اساطیری، حماسه‌های تاریخی و حماسه‌های دینی تقسیم کرده‌اند.»

۳ (۱) ۴ (۲) ۵ (۳) ۶ (۴)

۲۴۹۴- در عبارت زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«بید را در لبه استخری، کناره جوی آب قناتی، در کویر می‌توان با زحمت نگاه داشت. سایه‌اش سرد و زندگی‌بخش است. درخت عزیزی است، اما همواره بر خود می‌لرزد. در شهرها و آبادی‌ها نیز بیمناک است، که هول کویر در مغز استخوانش خانه کرده است.»

۶ (۱) ۷ (۲) ۸ (۳) ۹ (۴)

۲۴۹۵- در متن زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«تحولات ادبی جامعه ایران را از زمان امضای فرمان مشروطیت تا به امروز «ادب معاصر» نامیده‌اند. آمدن صنعت چاپ به ایران، گسترش روزنامه‌نویسی، آشنایی ایرانیان با ادب اروپایی، نهضت ترجمه آثار اروپایی و تأسیس مدرسه دارالفنون را از عواملی می‌توان دانست که در این تحوّل و دگرگونی مؤثر بوده‌اند.»

۱۴ (۱) ۱۵ (۲) ۱۶ (۳) ۱۷ (۴)

۲۴۹۶- در متن زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«اگرچه صحبت را بر خلوت ترجیح می‌داد، باز عزلت را از صحبت کسانی که در قید تعلّقات باقی مانده بودند، بهتر می‌دید. در خارج از جمع مریدان خویش و اکابر و اعیان که ارتباط با آن‌ها را برای ارشاد ایشان یا رفع حاجت محتاجان و مظلومان لازم می‌دید، به ملاقات اغیار - خاصه کسانی که برای کنجکاو به دیدار وی می‌آمدند - علاقه‌ای نشان نمی‌داد.»

۱۰ (۱) ۱۱ (۲) ۱۲ (۳) ۱۳ (۴)

و سه تا سؤال از کنگور ۱۹۰

(هنر ۹۰ / با تزیین)

۲۴۹۷- در متن زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«به کمک بازنویسی می‌توانیم متون ادبی گذشته را به زبان معیار امروز درآوریم و عناصر کهنه آن‌ها را تغییر دهیم و به جای واژه‌های مهجور آن‌ها، تعابیر آشنا بنشانیم و از این راه، مفاهیم دقیق آن‌ها را به نسل امروز منتقل سازیم.»

۱۱ (۱) ۱۲ (۲) ۱۳ (۳) ۱۴ (۴)

۲۴۹۸- در عبارت «شاعر به کمک قواعد عروض و قافیه و در چارچوب سنت‌ها و روش‌های شاعری، در فرهنگ ایرانی دو ساخت تازه را بر مجموعه ساخت‌های

آوایی فارسی افزوده و از این رهگذر، اثری ادبی آفریده است که می‌توان نام سخن منظوم بر آن نهاد.» چند «وابسته پسین» وجود دارد؟ (زبان ۹۰ / با تزیین)

۱۲ (۱) ۱۳ (۲) ۱۴ (۳) ۱۵ (۴)

(انسانی ۹۰)

۲۴۹۹- در متن زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«دگرگونی‌های پی‌درپی سیاسی، روابط اجتماعی و فرهنگی، ورود عناصری تازه در قلمرو اندیشه، آشنایی با مکتب‌های فکری و ادبی اروپا، زمینه‌ساز تحولاتی در جامعه ایرانی شد که تأثیر آن‌ها را در نوشته‌های منتور، با نثرهای ساده داستانی، به‌ویژه داستان‌های کوتاه جمال‌زاده و طنز پرتحرک و مردمی دهخدا، شاهد هستیم.»

۱۸ (۱) ۱۹ (۲) ۲۰ (۳) ۲۱ (۴)

و در شعر...

۲۵۰۰- در ابیات زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«گر برود به هر قدم در ره دیدنت سری
تا نکنند وفای تو در دل من تغییری
من نه حریف رفتنم از در تو به هر دری
چشم نمی‌کنم به خود تا چه رسد به دیگری»

۴ (۱) ۵ (۲) ۶ (۳) ۷ (۴)

و به نمونه برای شمارش «وابسته‌های پیشین»



۲۵۰۱- در متن زیر چند «وابسته پیشین» وجود دارد؟

«نیمه دوم قرن شانزدهم، دوره‌ای بود که در آن برای نخستین بار آیین ادبی جامعی برای خلق آثار ادبی به وجود آمد. این آیین ادبی دارای چند اصل مهم بود که حتی تا پایان قرن هجدهم نیز اعتبار خود را از دست نداد. همین اصول، در آغاز قرن هفدهم مایه ایجاد مکتب کلاسی سبسم گردید.»

۴ (۱) ۳ (۲) ۲ (۳) ۵ (۴)

از این‌ها، هر دو با هم، یعنی باید هم تکرار وابسته‌های «پسین» رو حساب کنی و هم «پیشین»



۲۵۰۲- در عبارت زیر به ترتیب چند «وابسته پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«زال، پدر رستم، چون کار را سخت دید، با سه مجمر و سه تن از دانایان، بر پشته‌ای بلند برآمد و پری را که سیمرغ به یادگار به او داده بود، بر آتش نهاد. چون پاسی از شب بگذشت، سیمرغ بر آسمان پدیدار شد.»

۲ - ۳ (۱) ۳ - ۲ (۲) ۳ - ۳ (۳) ۲ - ۲ (۴)

۲۵۰۳- در عبارت زیر به ترتیب چند «وابسته پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«این سخنان مرا سخت دگرگون کرد. معلوم شد آن خبری که بر دیوار خانه کد خدا اعلان کرده بودند، همین بوده که: «بعد از این به کودکان ده آموختن زبان ملی ممنوع است.»

۴ - ۲ (۱) ۵ - ۲ (۲) ۴ - ۳ (۳) ۵ - ۳ (۴)

۲۵۰۴- در عبارت زیر به ترتیب چند «وابسته پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«در ادب فارسی، شاعران و نویسندگان، همواره دل‌پذیرترین، زیباترین و شکوه‌مندترین شیوه تصویرنگاری را در سروده‌های زیبای خویش به کار گرفته‌اند.»

۴ - ۱ (۱) ۴ - ۳ (۲) ۳ - ۱ (۳) ۳ - ۳ (۴)

۲۵۰۵- در عبارت زیر به ترتیب چند «وابسته پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«گسترده‌ترین و دامنه‌دارترین نوع شعر در ادب فارسی، شعر تعلیمی است. شعر تعلیمی، شعری است که قصد سراینده آن تعلیم و آموزش است. ماده اصلی شعر تعلیمی علم و اخلاق و هنر است؛ یعنی حقیقت، نیکی (خیر) و زیبایی.»

۱۰ - ۲ (۱) ۱۰ - ۳ (۲) ۹ - ۲ (۳) ۹ - ۳ (۴)

۲۵۰۶- در عبارت زیر، به ترتیب چند «وابسته پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«این نوشته‌ها ظاهراً موضوعی ساده و معمولی دارند، اما در ورای زبان ساده و صمیمی آن‌ها، بیانی استعاری و نمادین دیده می‌شود.»

۶ - ۱ (۱) ۸ - ۲ (۲) ۸ - ۱ (۳) ۶ - ۲ (۴)

۲۵۰۷- در عبارت زیر به ترتیب چند «وابسته پیشین» و «وابسته پسین» وجود دارد؟

«توصیف‌های نمادین آن توصیف‌هایی هستند که بر تشبیه و مقایسه بنا شده‌اند و منظور از آن‌ها تنها ترسیم یک منظره نیست، بلکه نماد هستند؛ یعنی نماینده حالتی که اشیا و مناظر در ذهن به وجود می‌آورند. این همان است که در اروپا به آن ادب نمادین می‌گویند.»

۴ - ۴ (۱) ۵ - ۲ (۲) ۵ - ۴ (۳) ۴ - ۲ (۴)

۲۵۰۸- در عبارت زیر چند «وابسته پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«این سفرنامه‌ها پژوهشگران را در شناخت موقعیت اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی سرزمین‌ها یاری می‌دهند و در ضمن چنین سفرنامه‌هایی در بردارنده اطلاعات سودمندی هستند که هر انسانی خود را به آن نیازمند می‌بیند.»

۶ - ۳ (۱) ۶ - ۲ (۲) ۷ - ۳ (۳) ۷ - ۲ (۴)

۲۵۰۹- در عبارت زیر، به ترتیب چند «وابسته پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«حماسه در لغت به معنای دلاوری و شجاعت است و در اصطلاح، شعری است داستانی با زمینه قهرمانی، قومی و ملی که حوادثی خارق‌العاده در آن جریان دارد. در چنین شعری، شاعر، هیچ زمانی عواطف شخصی خود را در اصل داستان وارد نمی‌کند و آن را به پیروی از امیال خویش تغییر نمی‌دهد.»

۱۰ - ۲ (۱) ۱۱ - ۲ (۲) ۱۰ - ۱ (۳) ۱۱ - ۱ (۴)

۲۵۱۰- در عبارت زیر به ترتیب چند «وابسته پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«هر ایرانی فارسی‌دان در کلام بیهقی موسیقی پرتأثیری حس می‌کند. این آهنگ موزون، از یک سو با به‌گزین کردن بیهقی از میان انبوه واژه‌ها به وجود می‌آید و از سوی دیگر محصول توانایی او در تألیف اجزای کلام است.»

۱۲ - ۲ (۱) ۱۳ - ۳ (۲) ۱۲ - ۳ (۳) ۱۳ - ۲ (۴)

۲۵۱۱- در عبارت زیر به ترتیب چند «وابسته پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«مطالعه رمان‌های سرزمین‌های دیگر، عمده‌ترین و مهم‌ترین راه شناسایی تحولات فرهنگی دیگر ملت‌ها است و امکان مقایسه آثار ادبی ارزشمند را نیز برای ما فراهم می‌آورد.»

۱۲ - ۲ (۱) ۱۲ - ۳ (۲) ۱۱ - ۲ (۳) ۱۱ - ۳ (۴)

۲۵۱۲- در عبارت زیر به ترتیب چند «وابسته پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«برای نمایش هنر نویسندگی بی‌هقی، تاریخ او را به داستانی دراز مانند کردم. این سخنی گزاف نیست. داستان زمانی جذّاب است و در ما اثر می‌کند که نویسنده، اشخاص واقعه را خوب بشناسد و هر کدامشان مطابق سرشت خود در صحنه ماجرا به حرکت و رفتار درآید و در نتیجه برخورد آن‌ها با یک‌دیگر، حوادث و کشمکش‌ها وقوع یابد.»

۱) ۱۴ - ۱ (۲) ۱۳ - ۲ (۳) ۱۴ - ۲ (۴) ۱۳ - ۱ (۴)

۲۵۱۳- در متن زیر به ترتیب چند «وابسته پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«برای شرح پاره‌ای آثار به‌ویژه سروده‌ها نباید تنها در جست‌وجوی یک مفهوم بود. هنرهای کلامی به منشوری می‌ماند با جلوه‌های گوناگون. پس شایسته است هنگام توضیح چنین آثاری، فضایی در کلاس فراهم شود که دانش‌آموز بتواند به ساحت‌های مختلف یک شعر راه یابد و ذوق خود را از معانی متنوع آن سرشار سازد.»

۱) ۱۰ - ۲ (۲) ۱۱ - ۴ (۳) ۱۰ - ۴ (۴) ۱۱ - ۲ (۴)

۲۵۱۴- در عبارت زیر، چند وابسته پیشین و پسین، به ترتیب، وجود دارد؟ (زبان ۹۸)

«دل‌می‌خواست این نغمه آسمانی را همه بشنوند؛ همان کلمات شورانگیز که از داناترین استاد جهان شنیدم. کاش می‌شد یک لحظه همه را آشنا سازم.»

۱) سه، پنج (۲) چهار، سه (۳) چهار، چهار (۴) پنج، چهار

 اینم موضوعش پرسیرن تعار و وابسته‌های پسینه با تعیین نوع وابسته. مثلاً تعار «صفت پسین» رو می‌پرسه. ببین:

۲۵۱۵- در متن زیر چند «صفت پسین» وجود دارد؟ (فهن ۸۸)

«آدمی علاوه بر نیازهای مادی و جسمانی، خواست‌های گوناگون دیگری نیز دارد که از آن جمله می‌توان به محبت، هم‌دردی و گرایش به هنر و ... اشاره کرد. تمدن بزرگ ایرانی ما همواره توجهی شایان به جلوه‌های زیبایی داشته است.»

۱) ۸ (۲) ۵ (۳) ۷ (۴) ۶ (۴)

 تعار و وابسته‌های پسین و پیشین رو با تعیین نوعشون می‌پرسه. مثلاً می‌گه این تا «صفت» پیشین و پسین می‌بینی؟

۲۵۱۶- در عبارت زیر، به ترتیب چند صفت پیشین و چند صفت پسین وجود دارد؟ (هنر ۹۸)

«وه که چه پاییز دلنوازی است. این برگ خشک که بر زمین سرد و بی‌روحش می‌بینی نوای کدام نی روح‌بخش را می‌نوازد؟ مثل این است که پاییز همه نوا و نغمه‌اش را در جان زمین جاری می‌کند»

۱) پنج، شش (۲) پنج، پنج (۳) شش، هفت (۴) چهار، پنج

۲۵۱۷- در عبارت «نویسنده با استفاده از داستان رستم و اسفندیار و گنجاندن اصطلاحات امروزی در آن، نوشته را از حالت شناخته‌شده آن خارج کرده است. این بیان غیرمتعارف و خنده‌دار و هر نوشته‌ای از این گروه، نوعی نقد اجتماعی محسوب می‌شود و تأثیر آن در همان زمان به نحو بارزی نمودار خواهد شد.» به ترتیب چند «صفت پیشین و پسین» وجود دارد؟ (هنر ۸۵)

۱) ۶ - ۴ (۲) ۷ - ۳ (۳) ۵ - ۴ (۴) ۶ - ۳ (۴)

 در مورد واژه «نوعی» هم که استار، زیر سیبیلی رد کرده‌ن، هیچی نپرس که اصلاً فاصله بگوملو با طراح رو نداریم. شر رُست نکن بپوون!

۲۵۱۸- تعداد «صفت‌های پیشین و پسین» در ترکیبات وصفی به‌کار رفته در عبارت «خواب دیدن ضحاک نموداری است از درون آشفته و خاطر ترسان و بی‌آرام او و بر اثر آن که ظلم‌ها کرده بود، با همه بی‌رحمی هر روز در تب و تاب و هر شب در جوش و اضطراب بود.» عبارت است از: (هنر ۸۴)

۱) ۴ - ۲ (۲) ۳ - ۳ (۳) ۲ - ۴ (۴) ۱ - ۵ (۴)

۲۵۱۹- در عبارت «از همان اوایل قرن دوم هجری، عده‌ای معدود از مردان هنرور و نگارگر به خلق آثار تمثیلی و حماسی و مضامین مربوط به شرح دلاوری و فداکاری شهدای کربلا به شکل ابتدایی آن پرداختند و به دنبال این حرکت واژه‌های شبیه‌خوانی و تعزیه و غم‌نامه‌های مذهبی در ادب فارسی راه یافت.» چند «صفت» وجود دارد؟ (زبان ۹۱)

۱) ۱۱ (۲) ۱۲ (۳) ۱۳ (۴) ۱۴ (۴)

 حالا یاد گرفتی که «گروه»‌ها رو از هم جدا کنی؟ فهمیدی نباید روی ظاهر کلمه‌ها قضاوت کنی؟ یاد گرفتی چه موقع یه کلمه صفته و چه موقع ضمیر؟

شاخص

 حالا باید یه کم دقیق شی روی «شافص». ویژگی‌هاشو که یادت نرفته؟ تنها نمایار، کسره ۴ نمی‌نواد!

۲۵۲۰- در کدام جمله، وابسته پیشین اسم، «شاخص» نامیده می‌شود؟ (ریاضی ۸۹)

- ۱) عموی احمد، خانه خود را به استاد دانشگاه فروخت.
 ۲) استاد ما، اسامی همه دانشجویان را می‌دانست.
 ۳) کدخدای ده، برای ادای توضیحات به پاسگاه رفت.
 ۴) ستوان محمدی، فرماندهی عملیات را به عهده گرفت.

۲۵۲۱- در کدام گزینه «شاخص» به کار رفته است؟

- ۱) دهخدا به مدت ده سال به فراگرفتن علوم قدیم پرداخت و با وجود فقر و تنگدستی در کسب کمالات کوشید.
- ۲) پس از برکناری شاه قاجار، مردم کرمان و تهران دهخدا را به نمایندگی مجلس برگزیدند. مقارن جنگ جهانی اول، او مدتی در چهارمحال و بختیاری منزوی زیست.
- ۳) در عالم مطبوعات و مبارزات سیاسی عصر بیداری، نخستین نامی که به ذهن می‌گذرد از آن علامه علی‌اکبر دهخدا است.
- ۴) در این ایام چندی ریاست مدرسه علوم سیاسی و مدتی هم ریاست دانشکده حقوق را بر عهده داشت و در همان حال به امر تدریس و پژوهش سرگرم بود.

۲۵۲۲- در کدام گزینه «شاخص» به کار رفته است؟

- ۱) از میان شاعران قصیده‌پرداز فارسی، ناصرخسرو سرگذشتی شگفت‌انگیز و شنیدنی دارد.
- ۲) زمانی که ناصرخسرو به سال ۳۹۴ ه. ق. در قبادیان بلخ زاده شد، پنج سال از حکومت پرآوازه محمود می‌گذشت.
- ۳) ایام کودکی او مصادف بود با اوج حکومت غزنوی و عصر جهان‌گشایی‌ها و شاعرانوی‌های افسانه‌ای سلطان محمود.
- ۴) در هفت‌سالگی او، قحطی هولناک خراسان پیش آمد و به دنبال آن، وبایی که جان بسیاری از هم‌وطنان او را گرفت.

(فاز از کشور ۹۲)

۲۵۲۳- در کدام عبارت «شاخص» یافت می‌شود؟

- ۱) سجده شکر کرد خدای را عزوجل بر سلامت امیر و نامه نیشته آمد.
- ۲) روز دوشنبه امیر مسعود شبگیر، برنشست و به کران رود هیرمند رفت.
- ۳) از قضای آمده، پس از نماز، امیر کشتی‌ها بخواست و ناوی ده بیاوردند.
- ۴) امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید و تر و تباه شده بود.

(تبریزی ۸۶)

۲۵۲۴- در همه عبارات زیر، به جز عبارت «شاخص» به کار رفته است.

- ۱) و آن کسان گواهی نبشتند و حاکم سچل کرد در مجلس و دیگر قضات نیز گواهی نبشتند.
- ۲) حسنک گفت: به روزگار سلطان محمود به فرمان وی در باب بوسهل خطا می‌کردم و وزارت نه جای من بود.
- ۳) از خواجه عمید شنودم که این شب که دیگر روز آن حسنک را بر دار می‌کردند، بوسهل نزدیک پدرم آمد.
- ۴) سید اشرف‌الدین گیلانی از میان مردم برخاست، با مردم زیست و بعد از مرگ هم در میان مردم پرآوازه بود.

(هنر ۸۱)

۲۵۲۵- در کدام گزینه «شاخص» نیست؟

- ۱) استاد بدیع‌الزمان فروزانفر مثنوی مولوی را شرح کرده است.
- ۲) امام رضا (ع) می‌فرمایند: دوست هر کس عقل او و نادانی‌اش دشمن اوست.
- ۳) دکتر محمد معین، محقق و لغوی بزرگ معاصر، در شهر رشت به دنیا آمد.
- ۴) نویسنده و استاد برجسته دانشگاه، غلامحسین یوسفی در سال ۱۳۰۶ شمسی در مشهد ولادت یافت.

(تبریزی ۸۱)

۲۵۲۶- در کدام گزینه «شاخص» نیست؟

- ۱) کدخدا احمد، به مسایل و مشکلات مردم روستا رسیدگی می‌کند.
- ۲) عموی احمد، مهندس شرکت نفت است.
- ۳) دکتر محمد معین، اولین دکترای ادبیات فارسی در ایران بود.
- ۴) غلامحسین یوسفی، در کنار مرادش، امام رضا (ع)، به خاک سپرده شد.

این هم شائص توی شعر. ببینیم متوجه فرقی با بقیه می‌شی یا نه!

۲۵۲۷- در کدام بیت «شاخص» وجود دارد؟

- | | |
|--|---|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱) سرلشکر جنونم و در دشت گمرهی ۲) ای شاهزاده! داد کن، خود را ز خود آزاد کن ۳) نشست از بر تخت بهرام‌شاه ۴) حکایت من و این کدخدا در این سامان | <ol style="list-style-type: none"> ۱) بر رغم عقل راهنمون می‌کنم به سر ۲) روز اجل را یاد کن، باشد که با ما خو کنی ۳) به سر برنهاد آن کیانی کلاه ۴) بگویم ارچه دل از گفتش پریشان شد |
|--|---|

الگوی گروه اسمی

این‌ها سوالاتی مربوط به فرمول گروه کلمات اومرن که بهشون می‌گیم «الگو».

(انسانی ۹۶)

۲۵۲۸- کدام گزینه بر اساس الگوی «صفت + اسم + نقش‌نمای + اسم + نقش‌نمای + صفت» ساخته شده است؟

- | | |
|--|---|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱) کدام پهلوان مبارز ایران‌زمین؟ ۳) بعضی سروده‌های شاعران گذشته | <ol style="list-style-type: none"> ۲) پنج روز به‌جامانده عمر انسان بی‌خبر ۴) همان جنگجوی دلاور عرصه جنگ جهانی |
|--|---|

وابسته وابسته، واژه‌ای است که وابسته به واژه دیگری باشد که آن هم، خودش وابسته است. وابسته وابسته پنج گونه دارد:

مُمیّز، صفتِ صفت، قیدِ صفت، صفتِ مضاف‌الیه، مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۱- مُمیّز: واحد شمارش (برای قابل شمارش‌ها) یا سنجش (برای غیر قابل شمارش‌ها) که بین صفت شمارشی و اسم می‌آید. مُمیّز، وابسته به عددِ پیش از خود است و با عددِ همراهش، مجموعاً وابسته اسم (هسته) می‌شود.

دو مُمیّز فروند هواپیما
صفت مُمیّز اسم (هسته)
یک صفت تَن سبب
صفت مُمیّز اسم (هسته)

بعضی از معروف‌ترین مُمیّزهای مورد استفاده در زبان فارسی را در جدول می‌بینی.

واحد	مُمیّز	واحد	مُمیّز
وزن	کیلو، گرم، تَن، مَن، سیر	جوراب	جفت، لنگه
طول و اندازه	متر، سانتی‌متر، کیلومتر، فرسنگ	تخم‌مرغ	شانه
لباس، میز و صندلی، ظرف	دست	نخود و لوبیا و حبوبات	واحد‌های وزن، مانند کیلو، گرم، ...
پارچه	توپ، طاقه	کاغذ	بند، برگ، صفحه
کشتی، هواپیما، موشک	فروند	کتاب	جلد
اشیا	تا، دانه، عدد	فرش	تخته
کفش	جفت، لنگه	لوازم الکتریکی	دستگاه

نکته! گاه «مُمیّز» می‌تواند وابسته «صفت پرشی» و «صفت مبهم» نیز باشد:

چند تخته قالی
صفت مبهم مُمیّز هسته

۲- صفتِ صفت: بعضی از صفت‌ها همراه صفتی می‌آیند و صفت همراه خود را بیشتر معرفی می‌کنند:

لباس آبی سیر
اسم (هسته) صفت صفتِ صفت

«آبی» صفتِ لباس است و «سیر» برای توضیح بیشتر و تعیین میزان آبی بودن لباس آمده. در این صورت با آوردن صفت دوم (سیر)، ویژگی صفتِ اول (آبی) را مشخص کرده‌ایم. صفت دوم، وابسته صفتِ اول است و این دو صفت، مجموعاً وابسته اسم (هسته) پیش از خود قرار می‌گیرند.

۳- قیدِ صفت: واژه‌ای که در میان اسم و صفت قرار می‌گیرد و چگونگی و میزان آن صفت را بیشتر نشان می‌دهد. قیدِ صفت، وابسته به صفتِ پس از خود است و این صفت و قید، مجموعاً وابسته اسمِ پیش از خود هستند:

هوای خوب ← هوای نسبتاً خوب / طبیعت زیبا ← طبیعت بسیار زیبا
اسم (هسته) قیدِ صفت صفت صفتِ صفت
اسم (هسته) قیدِ صفت صفت صفتِ صفت

دانش‌آموز کوشا ← دانش‌آموز خیلی کوشا
اسم (هسته) قیدِ صفت صفت

۴- صفتِ مضاف‌الیه: صفتی که مضاف‌الیه را توصیف می‌کند. صفتِ مضاف‌الیه ممکن است به صورت صفت «پیشین» یا «پسین» آمده باشد:

صفتِ مضاف‌الیه (پیشین): گریه هر کودک / صفتِ مضاف‌الیه (پسین): گریه کودک معصوم
اسم (هسته) صفتِ مضاف‌الیه صفت صفتِ مضاف‌الیه

۵- مضاف‌الیه مضاف‌الیه: گاهی برای توضیح بیشتر، برای مضاف‌الیه، مضاف‌الیه دیگری می‌آوریم و به آن «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» می‌گوییم. در این حالت، مضاف‌الیه دوم وابسته مضاف‌الیه اول است و این دو، با هم، وابسته اسمِ پیش از خود (هسته) می‌شوند:

در کتاب‌خانه مدرسه
اسم (هسته) مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه

نمودار پیکانی

نمودار پیکانی شامل یک یا چند پیکان خمیده برای معرفی هسته و وابسته و نشان دادن رابطه هسته، وابسته و وابسته وابسته است. نمودار پیکانی مشخص می‌کند که هر وابسته به کدام واژه تعلق دارد. جهت پیکان همیشه از وابسته به سوی هسته است و در موردِ وابسته وابسته، پیکان از «وابسته وابسته» به سوی «وابسته» و سپس، مجموعاً به طرف «هسته» نشانه می‌رود.

نمونه	وضعیت پیکان‌ها	الگوی ساخت	وابسته وابسته
دو فرزند هواپیما	ناهم‌سو	عدد + واحد شمارش / صفت مهمم / صفت پرسشی + اسم	ممیّز
کیف قهوه‌ای روشن	هم‌سو	اسم + رنگ + کیفیت رنگ	صفت صفت
هوای واقعاً عالی	ناهم‌سو	اسم + قید + صفت	قید صفت
گریه هر کودک	ناهم‌سو	اسم + صفت پیشین + اسم	صفت پیشین
گریه کودک معصوم	هم‌سو	اسم + اسم + صفت پسین	صفت پسین
مساحت کتابخانه مدرسه	هم‌سو	اسم + اسم + اسم	مضاف الیه مضاف الیه

وابسته وابسته

به یادآوری کوتاه و کلیّی وابسته‌هایی که به وابسته‌ها متصل می‌شوند! آگه به کم به معنی‌شون دقت کنی متوجه می‌شی! انواعشون هم اینا بوره: «صفت مضاف‌الیه»، «مضاف‌الیه مضاف‌الیه»، «صفت صفت»، «قید صفت» و «ممیّز». هواس‌ت باشه شمیر متصل به واژه پرا حساب می‌شه! این رو توی شمارش واژه یاد گرفتی.

۲۵۴۵- در همه گروه‌های اسمی، به جز گروه «وابسته وابسته» به کار رفته است. (تیم‌بی ۸۵)

۱) فزونی نیروی رستم ۲) ساختن آینده‌ای بهتر ۳) بهترین فصل زندگی ۴) صحبت خیلی عامیانه

۲۵۴۶- در کدام گزینه «وابسته وابسته» وجود ندارد؟

۱) نوازش‌های نسبتاً ملایم باد ۲) آینه پاک دل عارفان ۳) دیوارهای محکم بی‌روزن شهر ۴) نگاه‌های خسته این کودکان

۲۵۴۷- در کدام گزینه همه واژه‌ها دارای «وابسته وابسته» هستند؟ (تیم‌بی ۹۷)

۱) ظرافت طبع سخنور - ماجرای کاملاً اتفاقی ۲) دو فرسخ راه نیموده - غنچه‌های بی‌خار باغچه
۳) گوشه‌های لب پیرمرد - رفیق جهان‌دیده من ۴) معتبرترین فروشگاه زنجیره‌ای - نوجوان نسبتاً کوتاه‌قد

هالا به مقرر پیشرفته‌تر و شمارش. دقت کن! تمرین خوبی.

۲۵۴۸- در میان گروه‌های اسمی «دو سیر زعفران، لباس خواهر بزرگ‌تر، بهترین دانش‌آموز کلاس، نخستین روز مدرسه، یک فرزند هواپیمای جنگی، لباس

نسبتاً نفیس، برجسته‌ترین شرکت‌کننده المپیاد ادبی، کتاب جغرافیای منطقه، آن داور بین‌المللی، چندمین روز بیای، زنگ در ساختمان، رنگ قرمز

تند» چند گروه، «وابسته وابسته» دارد؟ (هنز ۹۱)

۱) ۶ ۲) ۷ ۳) ۸ ۴) ۹

از این‌ها به بعد میریم سراغ جمله‌ها ... باید گروه‌های مشکوک رو پرا کنی و فوب بررسی کنی ... هواس‌ت باشه پی‌زی از زیر دست در نره! هر پی پلو پری سفت‌تر میشه! گفته باشم.

۲۵۴۹- در کدام گزینه «وابسته وابسته» وجود دارد؟

۱) حلّ مشکل را از هر نوع امکان‌پذیر می‌دانست. ۲) نمی‌خواست در حصار عبوس غربت به انتظار نابودی بنشیند.
۳) هنوز به ساختن دنیایی بهتر امیدوار بود. ۴) امیدواری‌اش را در اوج مشکلات ستایش می‌کردم.

۲۵۵۰- در کدام گزینه «وابسته وابسته» وجود دارد؟

۱) آنانی که به انسان ایمان ندارند، از آسمان آبی چیزی نمی‌دانند.
۲) و آنانی که از آسمان چیزی نمی‌دانند، پرواز را به سخره می‌گیرند.
۳) و آنانی که پرواز را به سخره می‌گیرند، نمی‌توانند صدای این گنجشک‌ها را تاب بیاورند.
۴) و آنان که صدای گنجشک‌ها را نشنوند، از زندگی بی‌بهره‌اند.

۲۵۵۱- در کدام گزینه «وابسته وابسته» دیده نمی‌شود؟

۱) با امید چشم‌هایم را به این آسمان آبی دوختم. ۲) انگار کسی فریاد این مردم را نمی‌شنود.
۳) ساریان گفت: تا طرابلس سه فرسخ راه مانده است. ۴) باز صدای بلندگویش را بلند کرده بود.

(ستایش + فصل یکم)

درس نامه

واژه‌های این فصل را در دو بخش «واژه‌نامه» و «متن درس» می‌بینی ...
 واژه‌نامه: واژه‌هایی که در کتاب درسی برایشان معنی‌هایی ذکر شده و مطمئناً در آزمون‌ها بیشتر از آن‌ها استفاده می‌شود. پس آن‌ها را دقیق‌تر بفوان...
 متن درس: واژه‌هایی که از نظر معنایی مهم‌اند اما از نظر مولفین کتاب درسی پنهان مانده‌اند اما با توجه به روش‌های طراحی سؤال در سال‌های اخیر ممکن است در آزمون‌ها مورد پرسش قرار گیرند.

واژه‌نامه

ادیب	آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان، در متن درس به معنای معلم و مرتبی است.	ثنا	ستایش، سپاس
اعراض	روی گردان از چیزی، روی گردانی، انصراف	جزا	پاداش کار نیک
افسار	تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و الاغ و ... می‌بندند.	جسیم	خوش‌اندام
اکراه	ناخوشایند بودن، ناخوشایند داشتن امری	جلال	بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد.
إنابت	بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی	جود	بخشش، سخاوت، گرم
انبساط	حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن	حد	کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم
بنات	جمع بنت، دختران	حکیم	دانا به همه‌چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بیپه‌وده انجام نمی‌دهد.
بنان	سرانگشت، انگشت	جلیه	زیور، زینت
پوبیدن	حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن	خمار	می‌فروش
تاک	درخت انگور، رز	خوان	سفره، سفره فراخ و گشاده
تتمه	باقی‌مانده؛ تتمه دور زمان: مایه تمامی و کمال گردش روزگار، مایه تمامی و کمال دور زمان رسالت	داروغه	پاسبان و نگهبان، شب‌گرد
تحفه	هدیه، ارمغان	دایه	زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند.
تحییر	سرگستگی، سرگردانی	درهم	دزم، مسکوک نقره که در گذشته، به عنوان پول رواج داشته و ارزش آن کسری از دینار بوده است؛ در متن درس، مطلق «پول» مورد نظر است.
تزویر	نیرنگ، دورویی، ریاکاری	دینار	واحد پول، سکه طلا که در گذشته رواج داشته است. در متن درس، مطلق پول است. وزن و ارزش دینار در دوره‌ها و مناطق مختلف، متفاوت بوده است.
تضرع	زاری کردن، التماس کردن	ذوالجلال	خداوند بزرگواری، صاحب بزرگی

تقصیر	گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن	ربیع	بهار
رحیم	بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند	مدام	۱- همیشه، پیوسته ۲- می
روزی	رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد.	مراقبت	در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر این‌که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق
روی	مجازاً چاره، امکان	مزید	افزونی، زیادی
زاهد	پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد.	مطاع	فرمان‌روا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد.
سرور	شادی، خوشحالی	معاملت	اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی، در درس، مقصود همان «کار مراقبت و مکاشفت» است.
سزا	سزاوار، شایسته، لایق	معترف	اقرار کننده، اعتراف‌کننده
شبهه	مانند، و مثل، همسان	مفخر	هر چه بدان فخر کنند و بنازند، مایه ناز و بزرگی
شفیع	شفاعت کننده	مفرح	شادی‌بخش، فرح‌انگیز
شهد	عسل؛ شاهد فایق: عسل خالص	مکاشفت	کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی، «پی بردن به حقایق» است.
صفوت	برگزیده، برگزیده از افراد بشر	مَلِک	پادشاه، خداوند
صنعت	پیشه، کار، حرفه	مُلک	سرزمین، کشور، مملکت؛ دارِ ملک: دارالملک، پایتخت
صواب	درست، پسندیده، مصلحت	مَنّت	سپاس، شُکر، نیکویی
عاکفان	جمع عاکف، کسانی که در مدّتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.	منسوب	نسبت داده شده
عزّ	ارجمندی، گرمی شدن، (مقابل ذلّ)	منکر	زشت، ناپسند
عزّوَجَلّ	گرمی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود.	موسم	فصل، هنگام، زمان
عَصاره	آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند، افشره، شیره	نبات	گیاه، رُستنی
عَرامت	تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن	نبی	پیغمبر، پیام‌آور، رسول
فاحش	آشکار، واضح	نسیم	خوشبو
فایق	برگزیده، برتر	نماینده	آن‌که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده
فضل	بخشش، کرم	واصفان	جمع واصف، وصف‌کنندگان، ستاینندگان
قبا	جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند.	واعظ	پند دهنده، سخنور اندرزگو
قدوم	آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن	والی	حاکم، فرمان‌روا
قسیم	صاحب جمال	وجه	ذات، وجود
کاینات	جمع کاینه، همه موجودات جهان	ورق	برگ
کرامت کردن	عطا کردن، بخشیدن	وسیم	دارای نشان پیامبری
کریم	بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها و صفات خداوند	وظیفه	مقرّری، وجه معاش؛ وظیفهٔ روزی: رزق مقرّر و معین
گرو	دارایی یا چیزی که برای مطمئن ساختن کسی در به انجام رساندن تعهدی به او داده می‌شود؛ گرو بردن: مال کسی را به عنوان وثیقه گرفتن و نزد خود نگه داشتن؛ موفق شدن در مسابقه و به دست آوردن گرو	وهم	پندار، تصوّر، خیال
محتسب	مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.	یقین	بی شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد.

متن درس

اجابت	پذیرفتن، قبول کردن	فرو گذاشتن	رها کردن
بط	مرغابی	قربت	نزدیک شدن
بَلَّغ	رسید	قسیم	خوب رو، صاحب جمال
تربیت	پرورش، لطف و توجه	کشف	برطرف کردن، آشکار ساختن
جسیم	خوش اندام	کلک	قلم
جیب	گریبان، یقه	کیمیا	ماده‌ای که به عقیده پیشینیان می‌توانست مس را تبدیل به طلا کند، هر چیز نادر و نایاب، دست‌نیافتنی
حسن	نیکویی، زیبایی	مجلس گفتن	مجالس وعظ و پند که مشایخ صوفیه برگزار می‌کردند.
خبر	حدیث، سخنی که از پیامبر (ص) یا امامان معصوم (ع) باشد.	مدعی	ادعا کننده، خواهان
خِلعت	جامه دوخته که بزرگی به کسی بخشد.	مرتبه	رتبه، مقام، موقعیت
دارملک	پایتخت	عار	ننگ، بدنامی، رسوایی
الدَّجی	تاریکی‌ها	عیش	زندگی، خوشی، خوش گذرانی، شادمانی
دریغ	مضایقه؛ بی‌دریغ: بی‌مضایقه	مستغرق	غرق شده
راهبر	پیشوا، مرشد، صاحب مقام ارشاد، رهبر	مقیم	کسی که در جایی مسکن گرفته، اقامت کننده
سرا	منزل، خانه	ممد	مددکننده، یاری‌رساننده
شدن	۱- فعل اسنادی ۲- رفتن، گذشتن	مَنْظَر	نظرگاه، دیدگاه
شکور	سپاس‌گزار، شکرگزار	مهد	گهواره
صاحب خبر	عارف، کسی که درجات مختلف سیر و سلوک را طی و از علم الباقین به عین الباقین و حق الباقین و به سوی کمال رهسپار باشد.	ناموس	آبرو، شرف
صاحب‌دل	خداشناس، عارف	هان	شبه جمله، به معنی «هشیار باش، آگاه باش»
غریق	غرق شده، فرورفته در آب		

ویژگی: چندمعنایی، چندبیانی، جمع و مفرد، معانی سخت‌تر از لغت
شگرد پاسخ‌گویی: ردگزینه

ساختار: واژه در سؤال، معنی در گزینه
فراوانی: معمولاً ۴ واژه

واژه به ترتیب

واژه به ترتیب: پَن تا واژه توی صورت سؤال می‌بینی که توی هر گزینه، معنی‌هایی برایشون پیشنهاد شده! از تپای مهم و «سوام‌دار»! یعنی بیشتر وقتا توی کلتور از قبل واسه‌ش یه دونه سومیه کنار گذاشتن. پس سعی کن از همین الان باهاش رفیق شی. از تستا نترس. هر قسمتی به نظرت سفت‌تره بیشتر هواسه رو جمع کن. توی تستای معنی واژه - همه تپاش - به «غلط‌انداز» اهمیت بره. توی این سوآلا، صدر صدر تمرکز طراح روی غلط‌اندازه؛ یعنی هر چیزی که آرم رو به اشتباه میندازه. همه چیزایی که باعث می‌شن معنی غلط رو با درست اشتباه بگیرن. متمدن هتما پاسقای تشریحی رو خوب بفون. گزینه‌های غلط توی پاسقا مفصل بررسی شدن. آگه می‌فوا ی ضرر کننی پاسقا رو پتری بگیر! قبل از شروع کردن، اول، فهرست واژه‌های فصل اول رو بفون ولی به ترتیب، اول واژه‌نامه و بعد متن درس.



۳۱۲۰- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «قدوم - مُطاع - نبی - وهم» اشاره شده است؟

- (۱) آمدن - تسلیم شده - پیغمبر - تصور
(۲) گام‌ها - اطاعت شده - رسول - خیال
(۳) فرارسیدن - فرمانروا - پاک‌سرشت - اندیشه
(۴) قدم نهادن - کسی که دیگری فرمان او را می‌برد - پیام‌آور - پندار

۳۱۲۱- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «موسم - منت - صواب - انابت» اشاره شده است؟

- (۱) دوره - سپاس - اجر - بازگشت به سوی خدا
(۲) فصل - شکر - پاداش - پشیمانی
(۳) هنگام - نیکویی - پسندیده - توبه
(۴) زمان - تعهد - مصلحت - ناتوانی

۳۱۲۲- در کدام گزینه به ترتیب به معنی درست واژه‌های «فایق - صفوت - تضرع - اعراض» اشاره شده است؟

- (۱) برتر - جنگیدن - زاری کردن - شکایت کردن
(۲) بلند - غلبه - زیان دیدن - گله کردن
(۳) برگزیده - برگزیده و خالص از هر چیز - التماس کردن - روی برگرداندن
(۴) غالب - هم‌ردیف شدن - گریستن - بی‌توجهی

۳۱۲۳- معنی درست همه واژه‌های «ممد - قدوم - فایق - تتمه» در کدام یک از گزینه‌های زیر دیده می‌شود؟

- (۱) ادامه‌دهنده - قدم نهادن - بهترین نوع عسل - پایان
(۲) یاری‌رساننده - آمدن - برتر - باقی‌مانده
(۳) فریادرس - گام‌ها - برگزیده - پایان‌بخش
(۴) مدرسان - وارد شدن - بلند - باقی‌مانده چیزی

سه تا نمونه از لنگور سراسری!



۳۱۲۴- معنی واژه‌های «صفوت - نسیم - وسیم - دُجی - حلیه» کدام است؟

- (۱) روشنی - معطر - دارای نشان - مرغ - زینت
(۲) برگزیده - خوش‌بو - دارای نشان پیامبری - تاریکی‌ها - زیور
(۳) روشن - خوش‌بو - شناخته شده - تاریک - زیور
(۴) خلوص - باد ملایم - داغ‌دار - مرغ - زینت

(ریاضی ۸۳)

۳۱۲۵- معنی همه واژه‌های «اعراض - انابت - تتمه - فایق - مفخر» در کدام گزینه درست است؟

- (۱) ظاهر - بازگشت - پایان - بهتر - مایه سرفرازی
(۲) روی برگرداندن - توبه - باقی‌مانده - برتر - مایه ناز و بزرگی
(۳) سرپیچی کردن - بازبینی اعمال - پایان‌بخش - بهتر - افتخارآفرین
(۴) روی برگرداندن - توبه - باقی‌مانده - برتر - مایه ناز و بزرگی

(زبان ۸۳)

۳۱۲۶- معنی درست همه واژه‌های «شکور - ربیع - قدوم - باسق - تضرع» کدام است؟

- (۱) شکرگزار - بهار - آمدن - بلند - زاری کردن
(۲) شکرگزار - زیبا - آمدن - گناه‌کار - زاری کردن
(۳) شکرگزار - بهار - قدم‌ها - برتر - درخواست کردن
(۴) شکرگزار - زیبا - قدم نهادن - بالارونده - التماس‌کننده

(فاجع از کشور ۸۳)

ویژگی: غلط‌اندازها، جمع و مفرد

ساختار: واژه (معنی) / واژه (معنی) / ...

کمانکی

شگرد پاسخ‌گویی: بررسی کامل واژه و معانی

فراوانی: معمولاً ۸ واژه

به این می‌گیم تیپ کمانکی. «کمانک». تکرار کن: ک... ما... نک! به بار دیگه: ک... ما... نلنگ! هلا شرا! این اسم رو خوب یادت بمونه. تیپیه که همیشه باید جلوی پشتت باشه. باید پوش عادت کنی. سهام‌دار قدریه. یعنی توی قبلی لنگور سومیه داشته. طراح که هیپی، وزیر آموزش پرورش عوش بشه، این رو تا کمانک از ماشون تکون نمی‌فورن! سال‌های سال توی همه‌ی لنگور، همه‌ی رشته‌ها، همه‌ی این پین سال، سوال بوده. توی واژه و املا و تاریخ اربابا تا دلت بفوار آزش سوال اومده. پس سعی کن دوش داشته باشی. سعی فوت رو بکن. عادت می‌کنی. ما (ما هم!) اول فوشمون نیومد. از بس که غلط‌انداز داشت. جوری شده بود که هر وقت می‌دیدمش می‌گفتم: «کمانک، هیا کن! آزمونا رو رها کن!» انقدر اومدا انقدر اومد که عاشقش شردیم! پاسخ تشریحی رو فراموش نکن! مفهوماً این که تیپ کمانکی از بقیه تیپا غلط‌اندازای بیشتری داره. رگزینه ۳ این‌جا جواب نمی‌ده. این تیپ، دیگه «تنبلی‌بردار» نیست! باز ۳ می‌گیم: پاسقای تشریحی رو فراموش نکن. اصلاً آله پاسقا رو نمی‌فونی، سوالا ۳ هل نکن! مرد باش!!!

۳۱۲۷- معنی چند واژه روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

«افسار: تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و الاغ و ... می‌بندند. / تتمه: باقی‌مانده / جسیم: خوش‌اندام / داروغه: شب‌گرد / ممد: طولانی / والی: حاکم / شیه: همسان / عصاره: افشره»

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳۱۲۸- معنی چند واژه روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

«کاینه: حیل‌گر / معاملات: اعمال عبادی / وظیفه روزی: رزق مقرر و معین / بتان: انگشتان / تقصیر: کوتاهی کردن / حلیه: پارچه ابریشمی / ربیع: بهار / نماینده: نشان‌دهنده»

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳۱۲۹- معنی چند واژه روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

«زاهد: پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد. / عاکف: هراسان / فضل: کرم / مدام: می / ملک: فرشته مقرب / اکراه: ناخوشایند / تحفه: بی‌ارزش / جلال: بزرگواری»

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳۱۳۰- معنی چند واژه روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

«دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند. / منسوب: گماشته شده / وجه: ذات / شفیع: شفاعت‌کننده / غرامت: تاوان / کرامت کردن: عطا کردن / معترف: اقرار کننده / یقین: بی‌شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد.»

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳۱۳۱- معنی چند واژه روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

«والی: حاکم / حد: مجازات شرعی / عار: ننگ / حَمَار: ملول / محتسب: مأموری که کار او نظارت بر اجرای احکام دین بود. / وجه: ذات / واعظ: سخنور اندرزگو / مدام: می»

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳۱۳۲- معنی چند واژه روبه روی آن نادرست نوشته شده است؟

«صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز / جیب: گریبان / جلیبه: آگاه باش / عاکف: گریزنده / مُنْكَر: انکار کننده / باسق: بلند / بنان: سرانگشت / اجابت: قبول کردن / وسیم: دارای نشان پیامبری / کاینه: موجود»

- (۱) دو
(۲) چهار
(۳) یک
(۴) سه

۳۱۳۳- معنی چند واژه روبه روی آن نادرست ذکر شده است؟

«انابت: بازگشت به سوی خدا / اعراض: عرضه کردن / قسیم: زیبا / مکاشفت: آشکار ساختن / فایق: برگزیده / مزید: افزونی / تقصیر: گناه / تاک: رز / صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز / جلیبه: زینت»

- (۱) یک
(۲) دو
(۳) سه
(۴) چهار

مجموعه واژه	ساختار: واژه و معنی، هر دو در گزینه‌ها	ویژگی: غلط‌اندازها، به‌ویژه هم‌خانواده‌ها
فراوانی: معمولاً ۱۲ واژه	شگرد پاسخ‌گویی: بررسی کامل واژه‌ها و معانی	

مجموعه واژه، توی هر گزینه پَرین تا واژه رو با معنیاشون می‌بینی. باید مشخص کنی کدوم واژه، غلط معنی شده (یه دونه‌م کافیه) اول هر گزینه ۳ تا واژه.

۳۱۳۴- در معنی واژه‌های کدام گزینه اشتباه وجود دارد؟

- (۱) ادیب: آداب‌دان / پویدن: تلاش / ثنا: سپاس
(۲) خمار: می فروش / رحیم: بسیار مهربان / واصفان: ستاینندگان
(۳) سرور: شادی / عَزَّوَجَلَّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است. / قبا: جامه
(۴) مراقبت: نگاه داشتن دل از توجه به غیرحق / وسیم: خوشبو / انبساط: خودمانی شدن

۳۱۳۵- معنی واژه‌ها در همه گزینه‌ها درست است؛ به‌جز

- (۱) تحیر: سرگردانی / جود: سخاوت / درهم: مسکوک نقره، که به عنوان پول رواج داشته و ارزش آن کسری از دینار بوده
(۲) منْكَر: نفی کننده / ورق: برگ / شهد فایق: عسل خالص
(۳) فاحش: واضح / کریم: بسیار بخشنده / مَفْخَر: مایه ناز و بزرگی
(۴) باسق: بلند / تزویر: نیرنگ / حد: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم

۳۱۳۶- معنی واژه‌ها در همه گزینه‌ها درست است؛ به‌جز

- (۱) دینار: سکه طلا که در گذشته رواج داشته. / نبات: رُستنی / روزی: رزق
(۲) صفوت: برگزیده / فایق: برتر / گرو بردن: مال کسی را به عنوان وثیقه گرفتن و نزد خود نگه داشتن
(۳) مفرح: فرح‌انگیز / اعراض: شکایت کردن / تاک: رز
(۴) جزا: پاداش کار نیک / خوان: سفره فراخ و گشاده / دارالملک: پایتخت

۳۱۳۷- در معنی واژگان کدام گزینه اشتباه وجود دارد؟

- (۱) مدّعی: خواهان / مزید: افزونی / انابت: پس دادن
(۲) مَفْرَح: شادی‌بخش / مَفْخَر: آن‌چه بدان فخر کنند. / دریغ: مضایقه
(۳) مُمد: یاری رساننده / اعراض: روی برگرداندن / واصف: ستاینده
(۴) کاینه: موجود / کرامت: بخشش / مستغرق: غرق شده

۳۱۳۸- معنی واژه‌ها در همه گزینه‌ها درست است؛ به‌جز

- (۱) واعظ: سخنور اندرزگو / سزا: لایق / عزّ: گرامی شدن / فراش: فرش‌گستر
(۲) قسیم: انتقام‌گیرنده / مزید: افزونی / وظیفه: وجه معاش / مکاشفت: پی بردن به حقایق
(۳) بنات: دختران / تَضَرَّع: التماس کردن / حکیم: دانای راست‌کردار / صنعت: حرفه
(۴) ذوالجلال: صاحب بزرگی / نسیم: خوش‌بو / شکور: سپاس‌گزار / محتسب: مأمور نظارت بر اجرای احکام دین

واژه در شعر

ساختار: تلفظ یا معانی مختلف یک واژه در ابیات مختلف
ویژگی: توجه به رابطه هم‌نشینی واژه مورد سؤال در بیت
فراوانی: ۱ واژه مورد سؤال است.
شگرد پاسخ‌گویی: توجه به تلفظ و همه معانی واژه

اول اسم!

(تجربی ۹۱)

۳۱۳۹- مفهوم عرفانی واژه «کرامت» در همه ابیات، به استثنای بیت یکسان است.

- | | |
|---------------------------------------|--|
| هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد | ۱) با خرابان‌نشینان ز کرامات ملاف |
| دلــــی در وی بــــرون درد و درون درد | ۲) کرامت کن درونی دردپــــرورد |
| هیچم خبر از هیچ مقامی نفرستاد | ۳) چندان که زدم لاف کرامات و مقامات |
| بنهی قدم چو موسی گذری ز هفت دریا | ۴) چو بدین گهر رسیدی، رسدت که از کرامت |

۳۱۴۰- معنی واژه «حد» در کدام گزینه متفاوت است؟

- | | |
|--|--|
| کز هجر تو دیوانه و از عشق تو مستم | ۱) بندم کن و حدّم بزن ای خسرو خوبان |
| حدّت آتش سودای تو از حد بیش است | ۲) دیده هرچند بر آتش زند آبم لیکن |
| کاین جلالت لایق این عقل و این اخلاق نیست | ۳) عقل را معزول کردیم و هوا را حد زدیم |
| گفت هشیاری بیار این‌جا کسی هشیار نیست | ۴) گفت باید حد زند هشیار مردم مست را |

۳۱۴۱- معنی واژه «حد» در کدام گزینه با بیت «گفت باید حد زند هشیار مردم، مست را / گفت هشیاری بیار این‌جا کسی هشیار نیست» یکسان است؟

- | | |
|---|--------------------------------------|
| غم ز حد بگذشت، غم‌خوارم کجاست؟ | ۱) ای نسیم صبح‌دم، یارم کجاست؟ |
| شــــرع مســــتان را نبینــــد حــــد زدن | ۲) چون که مستم کرده‌ای حدّم مزن |
| یابد او هستی باقی بیرون ز حد | ۳) آن‌که تواضع کند نگذرد از حدّ خویش |
| یار چه سعادت‌ها کز این سفرم آمد | ۴) از حد چو بشد دردم در عشق سفر کردم |

بعد، فعل.

۳۱۴۲- فعل «شدن» در کدام گزینه متفاوت است؟

- | | |
|-----------------------------------|---|
| آن سادهورو ز روی کسی شرمسار نیست | ۱) چون ساده شد ز نقش همه نقش‌ها در اوست |
| دل جای دوست بود که با میزبان نرفت | ۲) جان میزبان تن شد در خانه گلین |
| هزارگونه سخن بر دهان و لب خاموش | ۳) شد آن‌که اهل نظر بر کناره می‌رفتند |
| با عشق هم‌چو تیرم اینک نشان راست | ۴) قدّم کمان شد از غم و دادم نشان کژ |

۳۱۴۳- معنی فعل «شدن» در کدام گزینه متفاوت است؟

- | | |
|--------------------------------------|---|
| پرده بــــردار که از هوش شدیم | ۱) تاب دیدار تو در ما نبود |
| ما ز جام شمس دین مستیم ساقی می بیار | ۲) ما به بوی شمس دین سرخوش شدیم و می‌رویم |
| که خجالت‌زده دیده خون‌بار شدیم | ۳) آن‌قدر خون دل از دیده به دامان کردیم |
| این چنین رفته‌ست از روز ازل تقدیر ما | ۴) گر شدیم از باده بدنام جهان تدبیر چیست؟ |

۳۱۴۴- معنی ردیف در همه گزینه‌ها یکسان است؛ به جز

- | | |
|-------------------------------|-----------------------------------|
| هر که نبود او چنین درویش نیست | ۱) جزو درویش‌اند جمله نیک و بد |
| مرهم این ریش جز این ریش نیست | ۲) دست بگشا دامن خود را بگیر |
| در حقیقت کفر و دین و کیش نیست | ۳) این جهان و آن جهان یک‌گوهر است |
| من غلام آن که دوراندیش نیست | ۴) ای دمت عیسی دم از دوری مزن |